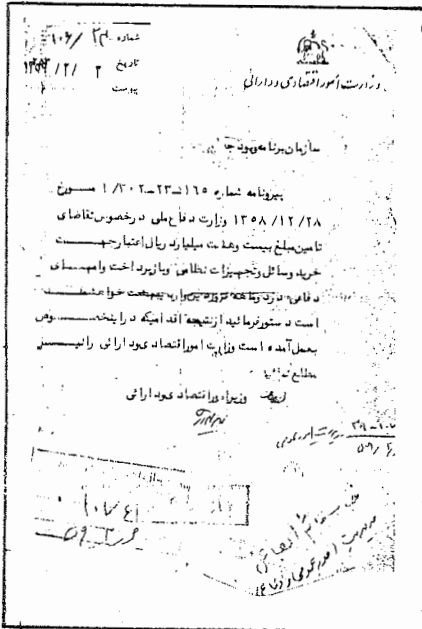


۲۸ میلیارد ریال هزینه خرید تسلیحات و تجهیزات نظامی فقط در فروردین وارد بیست ماه امسال!



سازمان برنامہ بودجه
پیرونامہ شماره ۱۶۵-۲۳-۱۳۰۲ مورخ
۱۳/۲۸/۵۸ وزارت دفاع ملی در خصوص
تقاضای تامین مبلغ ۲۸ میلیارد ریال اعتبار
جهت خرید وسائل و تجهیزات نظامی و سایر
پروداخت و امهائی دفاعی در دو ماهه فروردین و
اردیبهشت اخوان شهنشاه است دستور فرما
نتیجه اقدامی که در این خصوص بعمل آمده است
وزارت امور اقتصادی و دارائی را نیز مطلع
نمایند.

شاه مرد

متن اعلامیه مربوط به مرگ شاه در
صفحه ۲ درج شده است.

مسئله کابینه و کشمکش های دوجناح

هر روز که میگذرد ما شاهد درگیریهای جدیدی در هیات
حاکمه میان جناح رئیس جمهور و سران حزب
جمهوری اسلامی هستیم. تاکنون در هر مقطع زمانی یک موضوع
خاص در کشمکش میان این دو جناح نقش اساسی یافته و اینک در
میان موضوعات حاد، مسئله انتخاب نخست وزیر و کابینه
جدید به کانون درگیریهای آنان تبدیل گشته و سایر موضوعات
را تحت الشعاع خود قرار داده است.

سخنی با رفقای هوادار پیرامون کار سیاسی و تشکیلاتی

در صفحه ۹

مجلس شورای اسلامی

حامی ارتش ضد خلقی

با توجه به مسائل حاد
موجود، چون تورم، گرانی،
بیکاری، مشکل مسکن، سلب
آزادیهای دیمکراتیک، سرکوب
خلق کردو... بینیم عمده
ترین مسائلی که مورد توجه
مجلس شورای اسلامی است
و "نمایندگان منتخب مردم"
را به گفتگوی چند جانبه مشغول
می کند، چیست.

زمینه های عینی تشدید

فعالیت بورژوازی بزرگ و تاکتیکی های امپریالیسم

صفحه ۳

مساله کردستان و موضع ما (۳)

اپورتونیست ها خصلت عادلانه جنبش

خلق کرد را قوی می کنند

صفحه ۵

مردم چه می گویند

صفحه ۸

هادی غفاری یکی از

رهبران جما فداران

اعتراف میکند

سرکوب دهک داران

و نظرات مردم

صفحه ۱۰

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش



شاه مرد زنده باد توده ها

مرگ شاه مرد و زود خاتمه کمالی ایستادن حکومتش حرفه‌ی بختی، خامه‌خوبی و فلاکت برای توده‌های زحمتکش میهن ما چیزی بی‌بازماند بود و پیش از این جا معما را بسوی او بستگی به امیرالایم جهانی سواد بود، موجب شگفت و شادی تمامی توده‌های زحمتکش میهن ما شد.

در حقیقت، محمدرضا می‌زدور از مدت‌ها پیش یعنی از همان هنگام که هیئت خروش انقلابی توده‌ها را برقرار داد است و سپس سبل بنام آن چنین توده‌ای را باقیام شکوهند همین ماه برای همیشه با طغیان زحمتکش روزی بر سر آمد.

خدا بی‌چنا و بی‌پای این مزدور سرسپرد امیرالایم در طی سالها حکومت نکبتش که همراه با دیکتاتورهای فاسد رزید و فرافروزی رژیم ترور و حقیقتاً بود، دارای آنچنان ابعاد است که هیچ‌گاه توده‌های زحمتکش میهن ما آنهارا فراموش نخواهند کرد.

سر نوشت عبرت آمیز محمدرضا می‌زدور، در می‌است که تاریخ بهیچ زحماتی می‌دهد که می‌کوشد چند روزی را دور بریزد به حکومت نکبت‌انگیز او آید، در جهت استعمار و سرکوب توده‌های مردم گام بردارد.

تاریخ از مدت‌ها پیش سرنوشت تمام حکومت‌های را که با استعمار توده‌ها و بوسل به سرکوب و قهر به حکومت نکبت‌انگیز ادامه میدهد و افرادی بطور محمدرضا می‌زدور را تعیین کرده است. هم‌اکنون توده‌ها را به دانی تاریخ سرسپرد خواهند شد.

هدف ما بر توده‌های زحمتکش میهن ما استعمار با نیروهای این فرمان تاریخ است.

توده‌ها می‌زدور زحمتکش میهن ما در میهن با سلطنتی تا تمام کردند و تا برای توده‌ها سرسپردند، بلکه در همان حال استعمار داران و زمینداران را می‌زدور کردند و تمام استعمار را بر سرکوبی امیرالایم امریکا و سرانجام تا بودی سرمایه استعمار و محمدرضا می‌زدور را می‌زدور کردند. توده‌های مردم در سرکوبی رژیم شاه، رهایی از فاسدستیم و محمدرضا می‌زدور را می‌زدور کردند. توده‌ها می‌زدور کردند، توده‌های زحمتکش میهن ما در سرکوب و قهر به حکومت نکبت‌انگیز امیرالایم امریکا و سرانجام تا بودی سرمایه استعمار و محمدرضا می‌زدور را می‌زدور کردند. توده‌های مردم در سرکوبی رژیم شاه، رهایی از فاسدستیم و محمدرضا می‌زدور را می‌زدور کردند.

توده‌ها می‌زدور کردند، توده‌های زحمتکش میهن ما در میهن با سلطنتی تا تمام کردند و تا برای توده‌ها سرسپردند، بلکه در همان حال استعمار داران و زمینداران را می‌زدور کردند و تمام استعمار را بر سرکوبی امیرالایم امریکا و سرانجام تا بودی سرمایه استعمار و محمدرضا می‌زدور را می‌زدور کردند.

توده‌ها می‌زدور کردند، توده‌های زحمتکش میهن ما در میهن با سلطنتی تا تمام کردند و تا برای توده‌ها سرسپردند، بلکه در همان حال استعمار داران و زمینداران را می‌زدور کردند و تمام استعمار را بر سرکوبی امیرالایم امریکا و سرانجام تا بودی سرمایه استعمار و محمدرضا می‌زدور را می‌زدور کردند.

پیروزی توده‌ها در مبارزات توده‌های زحمتکش میهن ما
تا بودی امیرالایم جهانی سرکوبی امیرالایم امریکا و سرانجام تا بودی سرمایه استعمار
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

۵۹/۵/۶

مسئله کابینه و کشمکش

بقیه از صفحه ۱

است. مسلماً این دو قدرت حتی پس از تعیین کابینه نیز در مقابل هم قرار خواهند گرفت. دور جدید درگیریها، پس از کشف توطئه کودتا، با تاخت و تاز حزب جمهوری اسلامی علیه لیبرالها و رئیس جمهور آغاز شد و سپس با سخنان آیت الله خمینی که مشخصاً "نوکتیز حمله خود را متوجه جناح لیبرالها نموده بود، به اوج خود رسید. این موج جدید تنها جم حزب جمهوری اسلامی که با اقدامات سرکوبگرانه در کل عرصه سیاست تطفیق گشته بود، آنچنان دامنه وسیعی یافت که حتی آیت الله مشکینی در نماز جمعه قم، خواستار محاکمه دولت موقت و هیات "حسن نیت" شد. اما این موج، با سخنان بعدی آیت الله خمینی در حضور فرماندهان ارتش تخفیف یافت. اینبار آیت الله خمینی درست برخلاف نقل قبلی خود، با تاکید بر آنکه حمایت از رئیس جمهور و ارتش وظیفه شرعی "امت مسلمان" است، عملاً در صدد تقویت رئیس جمهور و این طریق لیبرالها برآمد. اما با این وصف، بنی صدر در یک مصاحبه رادیویی تلویزیونی که پس از این سخنان آیت الله خمینی بعمل آورد، ناامیدی کامل خود را نسبت به حل بحران درونی هیئت حاکمه به روشنی نشان داد. در ضمن، مواضع رئیس جمهور در این مصاحبه نشان داد که درگیری او با سران "حزب" نقطه عطف جدیدی را در پشت سر گذاشته است، زیرا او برای اولین بار و بطور بیسابقه و مستقیم به حزب جمهوری اسلامی حمله نمود و تهدید کرد که چنانچه نظریات او در مورد تعیین نخست وزیر و کابینه مستسرود پذیرش قرار نگیرد دهیچگونه مسئولیتی در قبال دولت آینده بر عهده نخواهد داشت.

البته این بدان معنی نیست که حاضرین بدان هیچگونه نسبتی امتیازی به حزب جمهوری اسلامی نیست و تکیه بر این نکته که انتخاب میر سلیم ناشی از جوتمشخچ موجود و بیارگرسر موضع "تفاهم" امیراوست، گویای این حقیقت است که لیبرالها بخوبی بی باین مطلب برده اند که بدون دادن امتیاز به سران حزب جمهوری اسلامی قادر به حفظ موقعیت سیاسی خود پیش در دستگاه دولتی نخواهند بود. واقعیتی است که لیبرالها بدون "حزب" و "حزب" بدون لیبرالها قادر به حکومت نیستند. بعلاوه انتخاب میر سلیم از جانب بنی صدر بعنوان نخست وزیر که که خود عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی است، بطرز ناامیدانه‌ای صورت گرفته است، اما بیاینگر این مطلب است که لیبرالها با تکیه بر سابق و تجارب سیاسی خویش از بکارگیری تاکنیک های مناسب در شرایط حساس، غفلت نکردند و از اختلافات درونی "حزب" بهره‌ی می‌گیرند. اگر چه طیف شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی بطور کلی مخالف با سیاست و تفکر لیبرالهاست، اما نسبت دوری اعضای آن به لیبرالها متفاوت است.

گویانکه در شرایط فعلی ما قادر به تعیین دقیق جناح بنسب دی درونی شورای مرکزی حزب نیستیم اما اختلافات درونی انسان بیرونی و بیرون

در بر خورد شان نسبت به رئیس جمهور و لیبرالها در وضعیت بحران کنونی بیانگر وجود جناح بندیهای درونی آنست. فی‌المثل در جریان درگیری آیت و بنی صدر شاهد این اختلافات بودیم و همچنین در موضوع تعیین نخست وزیر می بینیم که بهشتی از میر سلیم نیز پشتیبانی می کند حالیکه آیت ویرا "بحد کافی قاطع" نمی داند. نباید فراموش کرد که تعیین نخست وزیر پایان کار نیست. چه سکه در صورت تمایل و رای اعتماد مجلس نسبت به نخست وزیر میر سلیم هنگامیکه موضوع تعیین وزراء پیش کشید شود تمایل به میر سلیم با لکل نقض گردد. در چشم انداز سیاسی آنچه که محتمل است عدم توافق دو جناح بر سر تعیین نخست وزیر کابینه است در این صورت تنها عاملی که می تواند بطور موقت وظاهری شدت اختلافات را تخفیف دهد و نخست وزیر و کابینه را تعیین کند آیت الله خمینی است. آنچه که می توان به یقین گفت آنست که تعیین کابینه به صورت و با هر ترکیبی که باشد بهیچوجه نمی تواند مبین حل و باحتی تخفیف واقعی تضاد میان جناحهای رقیب

ادامه مطلب
"بررسی مختصر جنبش کارگری در دو سال گذشته"
بعلت تراکم مطالب میسر نشد. چاپ دنباله این مطلب به شماره های بعد موقوف میشود.

در هیات حاکمه باشد. آنها هر یک در حالیکه توده‌های وسیع کارگران و زحمتکشان میهنان از بی کاری، فقر و سرکوبی رنج می برند بر سر کسب قدرت برتر در درگاه نهایی دولتی و پیشبرد سیاستها و روشهای خاص خویش به رقابت جنون آمیزی برخاسته اند. این تضادها چهره طبقه‌ای را نشان میدهد که می‌کوشد خود را نمایندند متوجه‌ها جا بزند. اما واقعیت اینست که آنها به چیزی که فکر نمی‌کنند وضعیت توده‌های زحمتکش میهن ماست. هدف محوری و مشترک هر دو جناح یعنی هم لیبرالها و رئیس جمهور و هم سران حزب جمهوری اسلامی نظیر بهشتی، آیت، رفسنجانی... همانا تقویت و تحکیم سیستم سرمایه‌داری و وابسته‌های آن و حل بحران سیاسی و اقتصادی به نفع سرمایه‌داران و زمینداران ایران است. آنها برای تحقق این هدف اساسی هر روز بطور وسیعتری به سرکوب مبارزات حق طلبانه کارگران و زحمتکشان پرداخته و سعی در نابودی جنبش خلقهای ایران دارند. وظیفه نیروهای انقلابی و مترقی ایران است که توده‌ها را نسبت به اهمیت اختلافات دو جناح آگاه نماید و آنها را در مبارزات انقلابی شان بسیج و هدایت نمود موازات تلافی نرزی عظیم انقلابیستان جلوگیری نمایند.

استقلال - کار - مسکن - آزادی



زمینه های عینی تشدید فعالیت بورژوازی بزرگ و تاکتیک های امپریالیسم

حدت و گسترش بحران سیاسی موجود بر زمین بحران اقتصادی رشد روزافزون نارضایتی توده ها تشدید تضادهای درونی هیئت حاکمه و سرانجام تقویت و رشد روزافزون سازمانهای انقلابی و مترقی، موقعیت حساس و پیچیده های راپدبداورد و باعث شده است که امپریالیسم و بورژوازی بزرگ هر اسان تلاش های خود را در امر استقرار حاکمیتی وابسته به بورژوازی بزرگ دوچندان کنند و بر این اساس به شیوه های مختلف از جمله طرح توطئه های گوناگون و زمینه چینی برای اجرای کودتا

توضیح حقایق بازمانده و بیانکار واقعیات پناه برده است... اکنون لازم است که با بررسی و تحلیل رویدادهای اخیر و بار دیگر نشان داده شود که آیا سیاست واژگونه و چپ روانه ای را در پیش گرفته و از توضیح حقایق بازمانده ایم، یا "کمیته مرکزی" با تبلیغ سطحی تگری عا میانه در سطح جنبش به توجیه سیاستهای راست خود پرداخته است؟ مادر صمیمه کار عریبه "کمیته مرکزی" نشان دادیم که چگونه جناحهای بورژوازی در شرایطی حتی به جنگ علیه یکدیگر متوسل میشوند، ماهم چنین به نمونه کودتا هائی که مدام در آفریقا آمریکا لاتین و آسیا، از جانب جناحی از نیروهای ارتجاعی علیه جناحی دیگر و یا از سوی انحصارات امپریالیستی بوقوع می پیوندد اشاره کردیم، اما "کمیته مرکزی" با زهم در شماره اخیر ارگسان سراسری خود بهمان استدالات بی اساس خود متوسل شده و از طرح توطئه کودتای اخیر محافل وابسته به سرمایه های بزرگ به نتیجه گیری بیانی مبنی بر انقلابی و زود امپریالیست بودن، حاکمیت موجود رسیده است. بنابراین مادر این نوشته سعی می کند تا در جهت روشن شدن هر چه بیه تر مسئله با توجه خاص با ایران، زمینه های عینی و اجتماعی سیاسی تشدید فعالیت محافل ارتجاعی وابسته به بورژوازی بزرگ را که مستلزم بررسی وضعیت عینی حاکم بر جنبش توده های، موقعیت هیئت حاکمه، موضع و تاکتیکهای امپریالیسم و بالاخره موقعیت سازمانهای مترقی و انقلابیست نشان دهیم که تغییر تاکتیکهای امپریالیسم و توسل به شیوه های فشار بهیچوجه دلیلی بر اهمیت انقلابی و ضد امپریالیستی حاکمیت کنونی نیست و این مسئله از بررسی وضعیت عینی حاکم بر جنبش توده های آغاز می کنیم.

حقیقت غیر قابل انکاری است که امروز با گذشت نزدیک بیست و نیم از قیام بهمن ماه ۵۷، در همان حال که ما شاهد عمق یابی وحدت مبارزه طبقاتی و ضد امپریالیستی توده های مردم بوده ایم، شاهد جدائی روز افزون و فاصله گرفتن توده ها از حاکمیت موجود هستیم، حاکمیتی که نه تنها به خواست های توده های مردم پاسخی نگفته و در جهت انجام آنها گامهای اساسی برنداشته، بلکه در هر گام خود رودر روی توده ها قرار گرفته و در بسیاری موارد بغیر مسلحانه علیه آنها متوسل شده است. طبیعی است که این امر منجر به جدائی روز افزون توده ها و قطع امید آنها از حاکمیت موجود شود. هنگامیکه پیش از قیام توده ها بهیچاستند و آشتی ناپذیر و پیگیر در امر سرنگونی رژیم بوسید و سر سپرده ها گام نهادند و سرانجام با خشم انقلابی خود کاسهای ستم "شاهنشاهی" را در هم کوبیدند، سرشار از امیدها و آرزو هائی بودند که به پایان دراز سرکوب و ستم، فساد و استثمار پایان بخشد. هنگامیکه آنها علیه رژیم مزدور شاه قیام کردند خود در پی انجام انقلابی این خواستها و نیازها، این آرزوها و امیدها برآمدند، اما سارشی که در حین قیام شکل گرفت و اعتماد ناگاهانه ناشی از زود باوری توده ها به رهبری خرد بورژوازی جنبش و حاکمیت جدید، مانع از آن شد که تغییر ی ژرف در شرایط زندگی توده ها و در تمامی عرصه های زندگی اقتصاد دی- اجتماعی و سیاسی جامعه پیدا آید و آنها را از طبقات و اقشار محروم و تحت ستم به اقتضای طبقات حاکم بدل کند، مانع از آن شد که خواستهای ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده های مردم که مستلزم قطع هرگونه وابستگی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی به امپریالیسم و دمکراسی بسرای توده ها است، تحقق یابد.

سیر وقایع بگونه ای بود، که گره چه توده ها رژیم سلطنتی را با قهر انقلابی سرنگون کردند، اما ابتکار انقلابی از آنها سلب شد و قدرت از دست جناحی از بورژوازی، بطور عمد به دست جناحی دیگر افتاد و این همان مسئله ایست که "کمیته مرکزی" گریز بر فشار شرایط و واقعات سرسخت شرمگینانه مجبور است بدان اعتراف کند، اما نتیجه گیری واژگونه ای از آن می کند، مثلاً آنها در سرمقاله ۶۷ می نویسند:

با پیدای خود بیرونیسم چر این نهادها که حاصل قیام بودند ارتش شاهنشاهی را حفظ کردند؟ چرا از شخصی مثل بازرگان و گابینه لیسرال او دعوت کردند، که حکومت را تشکیل دهد؟ چرا سرمایه سر مایه داران وابسته را مصدوم نگردند و چرا سیاست خارجی را طوری پیش نبردند که خلق ایران با کمک متحدین و دوستان خود در سراسر جهان امروز فشار های اقتصادی امپریالیستی و این اندازه در رنج گرانی و بیگاری ناشی از آن قرار نداشتند؟

چرا در اسرار وزارت خارجه ایران فردی چون قطب زاده دوست امپریالیسم آمریکا قرار دارد؟ کسی که چشمی برای دیدن و گویی برای شنیدن داشته باشد و در پی تحریف و واقعیات و فریب توده های مردم بر نیامده باشد، پاسخ این چراها را پاسا دگسی خواهد یافت و "کمیته مرکزی" در این سرمقاله از محافظه کاری و سازشکاریهایی که در جمهوری اسلامی و شورای انقلاب شده است سخن می گوید، اما ماهیت این سازشکاری را توضیح نمی دهد آنها نمی خواهند، سازش سران خرد بورژوازی یا بورژوازی را که منجر به شکل گیری "ارگان سازش" شد بپذیرند. از همین روست که در توجیه سیاستهای اپورتونیستی خود به تناقض گویی دچار میشوند، باری قدرت از دست جناحی از بورژوازی عمدتاً بدست جناحی دیگر افتاد و

دولت بازرگان و شورای انقلاب با اتکاء به ارگانها و نهاد های بورژوازی در مسیری ضد انقلابی گام نهادند، جلوا ابتکار انقلابی توده ها را گرفتند، و از این پس بر هر خواست بحق توده ها مهر ناحق زده شد، و هر صدای حق طلبانه و زحمتکش را در گلو کوب کردند، کارگران را بنام کمونیسم کوبیدند، خلقها را به عنوان تجزیه طلب سرکوب کردند، دهقانان را تاجا و زکار نامیدند، دانشجویان را بگلوله بستند و به سازمانهای انقلابی، بر حسب ضلالتی زدن، خواستها و نیازهای اساسی توده ها تحقق نیافت و این روند همچنان ادامه یافت. بریستر چنین زمینه عینی است که پرسو جدائی و روی رو یافتن توده ها از حاکمیت آغاز شد، کم کم اعتماد ناگاهانه ناشی از زود باوری، در پاره های موارد به بی اعتمادی آگاهانه و در پاره های دیگری به بی تفاوتی سیاسی منجر گردید و این پرسو همچنان در حال طی شدن است در یک چنین شرایطی است که امپریالیسم و بورژوازی بزرگ با توجه به مجموع شرایط حاکم بر جنبش و با استفاده از شیوه های مختلف زمینه را برای عملکرد های ضد خلقی خود بیش از پیش مساعد یافته و فعالیت خود را در جهت استقرار هر چه سریعتر دولتی یک دست بورژوازی تشدید کرده اند، اما این زمینه های عینی تشدید فعالیت امپریالیسم و بورژوازی بزرگ از جنبه دیگر نیز فراهم شده است و آن بحران درونی هیئت حاکمه و تشدید تضادهای درونی ارگان سازش است.

در اینجا لازم است اندکی مکت کنیم و همراه با توضیح تاریخی ارگان سازش، هدف استراتژیک امپریالیسم و نیز تاکتیکهای آن را در جهت رسیدن به این هدف توضیح دهیم:

اساس پرسو سازش و شکل گیری ارگان سازش، نه پرسو های مکانیکی بلکه سازشی تاریخی بود که محصول مرحله معینی از رشد مبارزه طبقاتی، ناتوانی هیئت حاکمه و امپریالیسم در مهار کردن جنبش توده های و نیز خصوصیات طبقاتی و قشری رهبری خرد بورژوازی جنبش بود. این سازش بحسب مجموعه شرایط حاکم، ضرورتاً به منتهی و های ستم دار ارگان سازش تمیل شد.

امپریالیسم و بورژوازی بزرگ در برابر رشد جنبش توده های و رادیکالیزه شدن آن، بناچار بقیه در صفحه ۴

زمینه های عینی تشدید...

بقیه از صفحه ۳

بودند، از طریق تن دادن به رفرمها و امتیازات موقتی عقب نشینی های تاکتیکی و بر آوردن پاره های از خواسته های سران خرده بورژوازی، در طی یک پروسه بحران سیاسی موجود را حل کند، رشد مبارزه طبقاتی را سد نماید و تضادهای درونی ارگان سازش را بنفع بورژوازی حل کند، کانال اعمال این سیاست امپریالیسم بورژوازی متوسط، بویژه بورژوازی لیبرال بود.

اما همان آغاز، شایم خسود انگیزه توده ها و نتایج حاصل از آن، از جمله وارد آمدن ضرباتی

سازش با هر میری خرده بورژوازی جنبش و دادن امتیازات و عقب نشینی های تاکتیکی را مناسب ترین شیوه تامین منافع خود یافتند، بورژوازی متوسط با گرفتن امتیازاتی از بورژوازی بزرگ و یافتن نقش همزیگ در حاکمیت سیاسی، وظیفه ساز سازی سیستم را عهده دار شد. ورهبری خرده بورژوازی جنبش که با خاطر همان خصوصیات طبقاتی و قشری خود از

رادیکالیزه شدن جنبش توده های و نیرو گرفتن سازمانهای انقلابی و مترقی، بهر اس افتاده بود، سازش با بورژوازی تن داد. بدین لحاظ، گرچه با توجه به سطح رشد مبارزات توده ها، شکل گیری ارگان سازش، مناسب تر پاره نجات سیستم بود، اما در همان حال این ارگان با خاطر ترکیب نامگون و تضادهای درونی خود، نمی توانست در دراز مدت با همین شکل تامین کننده منافع کامل امپریالیسم و بورژوازی وابسته بزرگ باشد. بلکه این ارگان می بایستی با حل تضادهای درونی خود، به استقرار حاکمیت سیاسی بورژوازی بزرگ منجر گردد. بنا بر این با شکل گیری ارگسازش امپریالیسم یک هدف معین را تعقیب کرده است و آن حل بحران سیاسی، حل تضادهای درونی ارگان سازش، سد کردن رشد مبارزه طبقاتی و بالنتیجه استقرار حاکمیت سیاسی بورژوازی بزرگ بوده است. اما امپریالیسم تا با مرز در جهت تحقق این هدف استراتژیک خود عمدتاً به دو تاکتیک متوسل شده است و این تاکتیکها دقیقاً رابطه معینی با سطح رشد مبارزه طبقاتی، موقعیت بورژوازی بطور اعم و بورژوازی متوسط بویژه بورژوازی "لیبرال" بطور اخص، موقعیت سران سازشکار خرده بورژوازی، موقعیت گروه ها و سازمانهای انقلابی داشته است.

تاکتیک امپریالیسم در مرحله اول از شکل گیری ارگان سازش تا سقوط دولت بازرگان، بر این منوال بود که با توجه به اعتماد نا آگاهانه توده ها نسبت به حاکمیت و در شرایطی که سازمان های انقلابی نقش چندانی در هدایت ورهبری جنبش نداشتند و فاقد پایگاه لازم و موثر توده های

با سقوط دولت بازرگان امپریالیسم برای رسیدن به هدف استراتژیک خود به شیوه های دیگر از جمله توسل به فشار روی آورد، تصرف سفارت امپریالیسم آمریکا بر خلاف دو دیدگاه انحرافی موجود در جنبش، نه ناشی از عملکردهای حاکمیت انقلابی و ضد امپریالیست و نه ناشی از توطئه های بورژوازی و امپریالیسم بلکه محصول رشد مبارزه ضد امپریالیستی توده ها بود، نقش موثری در اتخاذ تاکتیکهای توسل به فشار از سوی امپریالیسم داشته است. اما عامل اصلی توسل به روشهای اخیر در چه چیزی نهفته است؟

ما دیدیم که امپریالیسم در شرایطی تاکتیک نخست یعنی تاکتیک عقب نشینی، و تن دادن

شرایط، بدون توجه به نقش استراتژیک میهن مادر عرصه معادلات بین المللی، و بدون توجه به رشد سازمانهای کمونیستی، و انقلابی، دست روی دست بگذارد و منتظر آن روز خواهد شد که همین حاکمیت منافعش را بطور کامل تامین کند. خیر؟! امپریالیسم بسته به شرایط از جمله شرایط موجود می کوشد تا با توسل به تاکتیک فشارهای مختلف اقتصادی، سیاسی و نظامی از یکسو، توده های رابیش از پیش در حالت فشر، گرسنگی، بیکاری و ناامنی تحت فشار قرار دهد، "نظم طلبی" و "گذشته گرایی" را در توده های نا آگاه تقویت کند، آنها را بحالت انفعال بکشانند و از سوی دیگر در جهت از هیولت کردن جناحهای از هیئت حاکمه در

عملکرد های تاکتیک توسل به فشار از سوی امپریالیسم را میتوان در شاهنامه سوره اقتضای هر چند بشکستل ناقص آن، [زیبر] کسه یا توجه به با هیئت تاکتیک کنونی، این معاصره نمی تواند واقعی باشد [فشارهای سیاسی، فشارهای نظامی و غیره دیت.

بازگانه و نهاد های بورژوازی، ضربات جدی توده ها به بورژوازی بزرگ، افزایش سطح انتظارات و خواسته های توده های مسلح تا حد زیادی اجرائی این بر سر نام امپریالیسم را باد شوری و سر و ساخت.

بنابراین بورژوازی نتوانست بنحوی مطلوب برنامه های اقتصادی و سیاسی خویش را پیش برد. علیرغم حمایت اقتصادی سیاسی امپریالیسم از دولت بازرگان و علیرغم اینکه دولت بازرگان و شورای انقلاب در پاره ای زمینه ها در جهت ترمیم و باز سازی ارگانها و نهادهای بورژوازی گامهای جدی برداشتند و به سرکوب توده ها پرداختند، اما ایستادگی توده ها، مانع از آن شد که دولت بازرگان بتواند با خاطری آسوده سیاستهای بورژوازی را پیش برد، کارگران در کارخانه ها و در درو سرما به داران و دولت حامی آنها ایستادند، ارگانها و نهادهای توده ای در مقابل سیاستهای بورژوازی دولت مقاومت کردند دهقانان دست بمصا دره انقلابی املاک، زمینداران بزرگ زدند، مبارزه خلقها بمنظور رسیدن به حقوق برحق خود اوج گرفت و سرانجام بر زمینه رشد مبارزه طبقاتی و وحدت یافتن بحران اقتصادی، برگسترش بحران سیاسی و تشدید تضادهای درونی ارگان سازش افزودند.

جهت حل تضادهای حاکمیت بکوشد و زمینه مادی لازم را برای استقرار هر چه سر بعت حاکمیت بورژوازی بزرگ فراهم سازد. بدین منظور امپریالیسم حتی به شیوه های قهراً میزوتوسل به کودتا نیز که نمونه های فراوان آن در کشورهای آسیای افریقای و آمریکای لاتین دیده ایم، متوسل میشود، که این خود می تواند سدا درون هیئت حاکمه و یا از بیرون به آن نظیر طرح اجرای کودتای اخیر، صورت گیرد.

فشار از سوی امپریالیسم را میتوان در محاصره اقتصاد هر چند بشکل ناقص آن، (زیبر) کسه توجه به ماهیت حاکمیت کنونی، این محاصره نمی تواند واقعی باشد (باشد) فشارهای سیاسی، فشارهای نظامی و غیره دیت.

بنابراین می بینیم که در همین شرایط نیز "فعالتهای تبلیغاتی امپریالیسم و محافل وابسته به بورژوازی بزرگ از طریق رادیوهای صدای آزاد، رادیو آمریکا، رادیو بغداد، تشدید شد و ارتجاعی ترین نمایندگان بورژوازی نظیر بختیار و سلطنت طلبان نیز فعال شده اند. آنها می کوشند که با توجه به شرایط موجود خود را بعنوان تنه ساز آلترناتیو برای پاسخگویی به نیازهای توده های مردم جا بزند، امپریالیسم که از یکسوز

سیاستهای ضد دمکراتیک و سرکوبگرانه هیئت حاکمه بویژه سیاست سران حزب جمهوری اسلامی علیه سازمانهای انقلابی، توده های مردم و تضییق حقوق دمکراتیک آنها و می برد، در همان حال سعی می کند، با رضایتی توده ها را کانالیزه کرد و آنها را بسوی بورژوازی بزرگ سوق دهد. رویدادهای اخیر بوضوح نشان میدهد که چگونه خود هیئت حاکمه کنونی نیز زمینه فعال شدن نمایندگان بورژوازی بزرگ را فراهم می سازد و آنها را بعنوان آلترناتیو در برابر حاکمیت کنونی ارائه میدهند. هنگامی که سیاست هیئت حاکمه در جهت حجاب اجباری اجرائی شود و تمامی کسانی را که از اجرائی این سیاست ضد دمکراتیک هیئت حاکمه سر باز می زنند، طرفدار بختیار میخوانند، هنگامی که بعضی پاسخگوئی و تحق فستی خواسته های زحمتکش نمایان "زورآباد" برنامه بیم ریختن خانه ها و خانه های آنها را بی زیر بند اعتراض آنها را بنام صداقت طلب و طرفداران بختیار سرکوب می کنند، و یا اعتراضها را در کنار خیابان راه پیروهای ضد انقلاب طرفدار بختیار نسبت میدهند، هیئت حاکمه نه تنها با یک چند اقداماتسی، به سرکوب توده های پیروازد بلکه در همان حال زمینه فعال شدن و مطرح شدن نمایندگان بورژوازی بزرگ را فراهم می کند، و آنها را بعنوان آلترناتیو برای حکومت آینده ارائه میدهند، امپریالیسم و بورژوازی همچنان سیاستهای قشری و ضد دمکراتیک سران سازشکار خرده بورژوازی استفاده می کنند و سعی می نمایند توده های مردم را از توجه به ریشه های عمیق بدبختی و فلاکت خود منحرف کرده و تمامی مضائق و مشکلات را نتیجه مداخله روحانیت در امور سیاسی و سیاستهای قشری آنها معرفی کنند. آنها می کوشند که مبارزه طبقاتی را منحرف کرده و توده ها را از مبارزه علیه امپریالیسم و بورژوازی وابسته بسوی مبارزه علیه آخوندها سوق دهند، بنابراین می بینیم که نه تنها شرایط اقتصادی موجود بلکه شرایط اجتماعی و سیاسی زمینه های تشدید فعالیت بورژوازی بزرگ و تغییر تاکتیکهای امپریالیسم را پیش آورد است و این امر به چه وجهی نمی تواند دلیلی بر ماهیت مترقی و انقلابی حاکمیت کنونی باشد.

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران



مسئله کردستان
و موضع ما (۳)

اپورتونیستها خصلت عادلانه جنبش
مقاومت خلق کرد را نفی می کنند!

در شماره گذشته به بررسی نظریات اپورتونیستی "کمیته مرکزی" درباره ماهیت و خصلت سیاست های هیئت حاکمه در کردستان و درگیریهای بین ارتجاعی ترین محافل وابسته به سرمایه داران و زمینداران بزرگ نظیر پالیسیها و اویسی ها و... و دولت مرکزی پرداختیم و نشان دادیم که چگونه آنها میکوشند سیاستهای بورژوازی و ضد دموکراتیک حکومت را سیاسی انقلابی و ضد امپریالیستی قلمداد نموده و مبارزات خلق کرد را تحریف نمایند.

آنها برای توجیه مشی رفرمیستی و بازشکارانه خویش میخوانند ماهیت و خصلت قدرت دولتی را که بطور عمده در اختیار بورژوازی متوسط است، انقلابی، ضد امپریالیستی و خرده بورژوازی معرفی کنند. لذا آنجا که تحلیل های شان با واقعیت موجود در تضاد آشکار قرار دارد دچار تناقض گوئی های مکرر میشوند و ناچار به تحریف و اقیبات می پردازند.

اپورتونیستهای نوپا که با تحریف مضمون طبقاتی سیاستهای هیئت حاکمه، ضد امپریالیستی و انقلابی جلوه دادن این سیاستها رهبری مبارزه ضد امپریالیستی و پیشبرد "انقلاب" را به حکومت سپرده اند. با تحریف علل اجتماعی و طبقاتی مبارزات خلق کرد و نادیده گرفتن خصلت عادلانه جنبش مقاومت خلق کرد، صرفاً به محکوم کردن جنگ پرداخته و درباره آثار و نتایج مخرب آن سخن میگویند و می نویسند.

سیاستهای جنگ طلبانه به تشدید خصومت ملی میان خلقهای ایران انجامیده" (سر مقاله ارگان سراسری کمیته مرکزی شماره ۶۵) و ادامه جنگ در کردستان به معنی رویارویی هر چه بیشتر مردم در برابر هم و به معنای آنست که بخش بزرگی از نیروی مردم ما از مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا یعنی دشمن اصلی خلقهای ایران منحرف شده و به دشمنی میان صفوف خود تبدیل گردد" (بیانیه) باره وظایف نیروهای انقلابی و مترقی کردستان

اپورتونیستهای جنگ را محکوم می کنند بدور آنکه خصلت آنرا معین کرده باشند. آنها از جنگ برادر کشی و رویارویی مردم با مردم، و به انحراف نشانده شدن بخش بزرگی از نیروی مردم در جبهه علیه امپریالیسم صحبت می کنند، بدور آنکه مشخص سازند که بخش بزرگی از مردم توسط کدام نیروها به انحراف کشیده شده اند.

آیا این نیروها، نیروهای سیاسی حاکم هستند که بخش بزرگی از مردم را به طاعت ناآگاهی شان علیه مبارزات عادلانه خلق کرد بسیج می کنند و از مبارزه علیه امپریالیسم منحرف می سازند و از شویسداران را به سرکوبی توده های زحمتکش خلق کرد گسیل می دهند، یا نیروهای انقلابی هستند که از مبارزات عادلانه خلق کرد دفاع می نمایند؟

برای اپورتونیست ها صرفاً محکوم کردن جنگ مطرح است و نه چیز دیگری. چرا که به "صلح اجتماعی" می اندیشند. آنها فراموش کرده اند که لنین می گفت: "سوسیالیست ها هرگز مخالف جنگهای انقلابی نبوده و نمیتوانند باشند". (لنین بر نامه جنگی پرولتاریائی) و "کسی که مبارزات طبقاتی را قبول ندارد نمیتواند

جنگهای داخلی را بنام ما دامو تکامل و تشدید طبیعی و در موارد مخصوص اجتناب ناپذیر مبارزه طبقاتی، قبول نداشته باشد. تمام انقلابهای کبیر موبد این اصلند. نفی یا فراموش نمودن جنگهای داخلی معنایش دچار شدن به منتهای درجه اپورتونیسم و عدول از انقلاب سوسیالیستی است" (همانجا)

آنها این جنگ را "یادرس تریگوئیم سرکوب قهرآمیز زحمتکشان خلق کرد را توسط ارتش و پاسداران، جاشها و... رویارویی مردم با مردم می نامند. لابد در نظر آنان ارتش مردم است. و نیروهای که با هواپیما های فانقوم به بمباران کودکان، زنان، و خلاصه مردم بیگناه اقدام می ورزند توده ها هستند. و شاید از همین نگاه است که آنان، مغز توده های خلق کرد را با ارگانهای سرکوبگر، رویارویی خلق کرد با مردم قلمداد میکنند! اینها مشنی از اقیبات تلخی است که هر ناظر آگاهی براحتی میتواند مشاهده کند اما اپورتونیستها، بنام ماهیت شان حاضر نیستند اقیبات امرا، که روشن و عیان است برای توده ها بازگو نمایند. می نویسند:

"هیچگاه فراموش نمی کنیم که همواره این ارتش و سپاه پاسداران بوده اند که شهرها و روستاهای کردستان را بمباران کرده و هزاران تن مردم کردستان را به شهادت رسانده اند. ولی ما انقلابیون کمونیست وظیفه خود را تکرار این اقیبات نمی دانیم" (سر مقاله ۶۵)

البته شما که بناحق خود را انقلابیون کمونیست نامیده اید، وظیفه ندارید این اقیبات را برای توده های ناآگاه مردم در مناطق توضیح دهید و ماهیت واقعی سیاستهای هیئت حاکمه را فاش سازید. چنین امری (افشاگریهای سیاسی) وظیفه انقلابیون کمونیست راستین است.

لنین درباره اهمیت افشاگریهای سیاسی برای تربیت و تشکل پرولتاریائی می نویسد:

"معرفت سیاسی و فعالیت انقلابی توده ها را با هیچ چیز نمیتوان تربیت نمود مگر بوسیله همین افشاگریها. بنابراین چنین فعالیتی یکی از مهمترین وظایف تمام سوسیال دموکراسی بین المللی است. زیرا طبقه کارگر برای اینکه خود را بشناسد باید بر متاسبات متقابل کلیه طبقات جامعه معاصر و قوف کامل و آزان تصور روشنی داشته باشد... و قوف و تصویری که تنها دارای جنبه تئوریک نباشد... یا بعبارت صحیحتر، بنای آن بیشتر بر تجربیات حیات سیاسی باشد... این افشاگریهای همه جانبه سیاسی شرط ضروری و اصلی پیشرویش روح فعالیت انقلابی توده ها می باشد"

(لنین چه باید کرد - تاکیدها از لنین است)

از نظر اپورتونیستهای ماضورتنی ندارد که توده های مردم از آنچه در کردستان میگذرد اطلاع یابند و تصور روشنی درباره نقش ارتش و پاسداران، مناسبات نیروهای اجتماعی مختلف، سیاستهای هیئت حاکمه در آنجا و جنبش مقاومت خلق کرد و... داشته باشد. چرا که هدف آنان کشاندن توده های مردم به عرصه عمل انقلابی و تربیت و تشکل نیست بلکه آنها توده ها را به دنباله روی از حکومت فراخوانده پیش ازین به ناآگاهی و توهم آنان دام میزنند تا

بتوانند بندوبست های شان را با حکومت و ترک نمودن سنگر مبارزه توده ها را توجیه نمایند.

توضیح حقایق برای توده ها تمام رشته های اپورتونیست ها را پنبه خواهد کرد و ماهیت آنان را برای توده ها فاش خواهد ساخت و آنها دیگر قادر نخواهند بود توده ها را بفریبند و سیاستهای این حاکمیت بورژوازی را خرده بگیرند و با آنها مبارزه و انقلابی معرفی کنند.

آنها تنها این اقیبات زنده را برای توده های ناآگاه توضیح نمی دهند، بلکه اقیبات را تحریف کرده و وارونه جلوه میدهند و به دروغ بپردازند و توده های خلق جهت منحرف کردن مبارزاتشان، و توجیه تسلیم طلبی های خود می پردازند. مینویسند: "خلق کرد باید بداند که در نتیجه ادامه جنگ در کردستان به جدائی و خصومت میان خلق کرد سایر خلقها چنان دامن زده اند که امروز بخش بزرگی از توده های مردم در سایر نقاط ایران نسبت به بمباران شهر ها و کشتار زنان و مردان و کودکان در کردستان با بی تفاوتی تکریم و بسیاری موارد اظهار خوشحالی می نمایند" (بیانیه - تاکید از ما است)

آیا راستی چنین است؟ و در سایر مناطق بخش های بزرگی از مردم از بمباران و کشتار کودکان و زنان بیگناه کرد ابراز خوشحالی می نمایند؟! باید پرسید در کدام نقطه از ایران مردم به قضیه چنین نگاه کرده اند! اگر اینطور بود مسلم بدانید که دولت جمهوری اسلامی بمباران شهرها و کشتار کودکان و زنان و مردان بیگناه را از توده ها پوشیده نمی داشت.

توده های زحمتکش ایران هیچگاه کشتار کودکان و زنان و مردان و انقلابیون را تأیید نکردند و نخواهند کرد اگر می بینید در اینجا و آنجا توده ها به طاعت ناآگاهی و تبلیغات مسوم کننده رادیو، تلویزیون، مطبوعات و... از سیاست حکومت در کردستان پشتیبانی می کنند به دلیل شادمانی شان از کشتار مردم بیگناه! تأیید چنین سیاست ها است بلکه به طاعت ناآگاهی شان از اقیبات موجود و ماهیت واقعی سیاستهای هیئت حاکمه در کردستان است همان اقیباتی که توضیح آنها را به توده ها و وظیفه خود نمیدانید و تکرار اقیبات می نماید.

هیئت حاکمه با تبلیغات وسیع میخواهد بمردم بقبولانده در کردستان با توده های زحمتکش کرد و نیروهای انقلابی طرف نیست بلکه با یک مشت عناصر وابسته به امپریالیسم و بعث عراق در حال جنگ است. توده ها بیگانه از ماهیت واقعی آنچه در کردستان میگذرد بی خبرند و اعتماد ناآگاهیهای به هیئت حاکمه دارند در فریب تبلیغات آنان را می خورند و شما نیز با بزرگ جلوه دادن فعالیت ارتجاعی ترین محافل وابسته به سرمایه داران و زمینداران بزرگ نظیر پالیسیها و اویسی ها و... سکوت درباره مبارزات عادلانه و بحق توده های زحمتکش کرد و نیروهای انقلابی و مترقی، با این سیاست ارتجاعی و فریب کارانه هیئت حاکمه همسوس شده و همگام با آنها در جهت مخدوش کردن ماهیت واقعی و خصلت است بقیه در صفحه ۶

سر کوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

کردستان و
موضع ما

ایورتونیست ها خصلت عادلانه جنبش مقاومت

عادلانه مبارزات خلق کرد و فریب نوده های مردم
گام بر میدارید . ماه عینمه مشاهده کرد هایم که حتی
برخی از کسانی که داوطلبانه و برای "جنگ با کفار"
به کردستان رفته بودند زمانیکه با واقعیات تکان
دهنده روبرو شدند و مشاهده کردند که نه از آن برای
سرکوب عوامل امپریالیسم بلکه برای سرکوب توده
های خلق کرد و نیروهای انقلابی روانه کرده اند ، از
عمل خود پشیمان گشتند و از ادامه سرکوب توده ها
خودداری نمودند .

ما شاهد بوده ایم که انتشار اخبار واقعی کردستان ،
چاپ عکس های اعدام و کشتار توده های خلق کرد
و انقلابیون ، توضیحات ، اعلامیه ها و بیانیتهای
آگاهران نیروهای انقلابی درباره مبارزات خلق
کرد ، چگونه احساس حمایت از مبارزات خلق کرد را
در توده های مردم بوجود می آورد و چگونه ماهیت
واقعی سیاستهای هیئت حاکمه برای مردم روشن
می گشت و حکومت را به تنگنای انداخت .

اما پورتونیست ها توضیح واقعیات جنگ در
کردستان و افشاگریهای سیاسی آنرا که ماهیت
حکومت را برای توده ها روشن خواهد ساخت ،
"تکرار واقعیات" نامیده و وظیفه خود نمیدانند ، ولی
تحریر واقعیات و وارونه جلوه دادن قضایا ، دروغ
پردازی و فریب توده ها را وظیفه خود دانسته و قائلان
در آن جهت تلاشی نمی نمایند . آنها نه تنها در جهت
زدودن اعتماد ناآگاهانه توده ها نسبت به حاکمیت و
مقابله با تبلیغات مسموم و فریبکاران آن قدمی
برنمی دارند بلکه به توهمات دامن میزنند و حتی
بالاتر از آن ارزش آگاهی توده ها (آگاه شدن آنان
نسبت به ماهیت ضد انقلابی سیاستهای هیئت
حاکمه در کردستان و فاصله گرفتن آنها از حکومت)
ابراز نگرانی کرده می نویسند :

"تعقیب سیاست سرکوب از جانب هیئت حاکمه
در کردستان امروز باعث گردیده که مردم در برابر
گستردهای از حاکمیت فاصله گیرند و مواضع ضد
امپریالیستی آن را درک نکنند" ، (سرمقاله ۶۵) و
لابد از نظری پورتونیستی نویا ، توده ها شیکه بعط
اعتماد ناآگاهانه ، از حکومت و سیاستهای آن
پشتیبانی می کنند "موضع ضد امپریالیستی آنرا"
درک کرده اند ؟ و دچار توهم نیستند . ولی بخشی
از توده ها که در برانیک روزمره و با تجربه سیاستهای
هیئت حاکمیتی به ماهیت آن برده و اعتماد
ناآگاهانه شان به بی اعتمادی آگاهانه تبدیل گشته
است ، به عدم درک "موضع ضد امپریالیستی"
حکومت ! متهم میگردند .
و بدین گونه پورتونیستها با دامن زدن به توهم
و ناآگاهی توده های مردم و تحریف واقعیات عملا
به بورژوازی خدمت می کنند .

بی جهت نیست که بعضی بهشتی این نماینده
بورژوازی به آنها میگوید : "قبول کنید که در طول این
مدت نسبت به شخص من و امثال من درست عکس
این عمل کردید . . . و از این روست که در آن ، اوج
تبلیغات علیه ما ، تعجب نمی کنیم و می توانیم
فراموش کنیم . . . پس شناسائی اینکه افراد قابل
اعتمادی هستیم یا نیستیم کار آسانتری است ولی
شناسائی آقایان ممکن است یک قدری زمان ببرد .
ما تحقیقا میتوانیم این کار را بکنیم و تحقیقاً روی همه
افراد و گروهها میتوانیم کار را کرد .
اگر شما با ما نتوان واقعا بیاید یک مطالعه دقیق بکند
به این موضع سیاسی و اجتماعی که اعلام کردم ، این
اعتماد تبلیغ می خواهد یک طوری تبلیغ هم بکنید
که روی آنها اثر بگذارد (روی مردم کردستان)

نمیخواهیم روی ما اثر بگذارد ، ما احساس نیاز به
تبلیغ شما شخصاً نمی کنیم ، به این اعتبار که خطمان
این احساس نیاز را نمی کند . نه اینکه ارج نمی گذاریم
تبلیغ شما ، نه اینکه گرامی نمیداریم ولی خطمان
اینست که بیائیم بگوئیم و صحبت کنیم .
اگر میتوانید بصورت گسترده با مردم کرد صحبت
کنید ، بروید صحبت کنید ، اگر میتوانید این عمل کرد
ناشی از گذشته است به آنها نگوئید که این کار درست
فعلی است به آنها نگوئید دولت فعلی چنین خواهد
کرد ، به آنها این اصل را بگوئید که بیائید ، تنها
نیستید ، ما با هم هستیم ، فقط اعتماد به ما کافیست
این خیلی روشن است " (مصاحبه با بهشتی) ، و از آنان
میخواهد که "حسن نیت" بخرج دهند و اعلام کنند که
ایشان فردی ضد امپریالیست و انقلابی "هستند . تا
بدین وسیله با سوء استفاده از نام و اعتبار فدائوسی و

ایورتونیستهای نوپا که با تحریف مضمون طبقاتی
سیاستهای هیئت حاکمه ، و ضد امپریالیستی و انقلابی
جلوه دادن این سیاستها رهبری مبارزه ضد
امپریالیستی و پیشبرد "انقلاب" را به حکومت
سپرده اند . با تحریف علل اجتماعی و طبقاتی
مبارزات خلق کرد و نادیده گرفتن خصلت عادلانه
جنبش مقاومت ، خلق کرد ، صرفاً به محکوم کردن جنگ
پرداخته و درباره آثار و نتایج مخرب آن سخن میگویند

اعتمادی که توده ها بعطت مبارزات پیگیر و فداکارانه به
فدائیان دارند ، توده های را که در تجربه خویش و
در نتیجه فعالیت آگاهران نور و روشنفکران انقلابیون
پی به ماهیت ایشان برده اند ، دوباره دچار توهم
سازند !
ایورتونیستها مجبورند چنین تحریفاتی نموده و
به توهم توده ها دامن زنند تا بتوانند سیاست تسلیم
طلبانه و روی برنافتن شان را از مبارزه انقلابی و بسند
و بست شان را با هیئت حاکمه موجه جلوه گرانند .
آنها مجبورند با حقایق ران تحریف کرده و وارونه نشان
دهند یا سکوت کرده و حقیقت را کتمان کنند . این
از خصوصیات بارز پورتونیسم است . پیش کسوت
"کمپته مرکزی" آقای کیانوری نیز در بررسی علل
تغییر سیاست هیئت حاکمه در کردستان میگوید :
"تمام مسائل حاکم از این است که عامل مقاومت
خلق کرد معامل تعیین کننده در اتخاذ این سیاست
نبوده است البته ما در این زمینه دلایل فراوان
دیگری نیز داریم که نمی توانیم بیان کنیم (پرسش
و پاسخ شماره ۶ کیانوری - تأکید از ماست) .
آری پورتونیست ها نمی توانند "دلایل فراوان"
شان را برای توده ها بیان کنند چرا که هشت شان در
پیشگاه توده ها بازمی شود و مردم پی به حقیقت می برند
در آن صورت حقایق پورتونیست ها دیگر از این هم بی
رنگ تر خواهد شد .

اما واقعیات آنقدر روشن و آشکار است که
پورتونیستها قادر نخواهند بود ، سیاستهای ضد
انقلابی هیئت حاکمه را در کردستان ، انقلابی ، ضد
امپریالیست و خرد بورژوازی جلوه گر ساخته و توده ها
را فریب دهند .
حال بیستیم ایورتونیستهای از تحریف حقایق
روشن و سپردن رهبری انقلاب و مبارزه ضد
امپریالیستی به حکومت تحقق خواستهای بحق خلق

کرد را چگونه می بینند .
بقیه از صفحه ۵
آنها از توده های زحمتکش خلق کرد میخواهند که از
مبارزه انقلابی برای دستیابی به خواستهای برحق
خویش انصراف حاصل نموده و تحقق این خواستها
را در حکومت انقلابی طلب کنند . ولی بازم دچار
تناقض گوئی میشوند ، آنها می نویسند :

"طرح خواستهای حداکثر از آنجا که قابل وصول
نیست به معنای ادا نمیکند است . " (بیانیه)
آنها توضیح نمی دهند که چرا خواستهای حداکثر
خلق کرد قابل وصول نیست . آنها به تجربه
دریافته اند که چنین است و دولت جمهوری اسلامی
حاضر به قبول خواستهای خلق کرد نیست . البته
مانیز معتقدیم که خواستهای حداکثر خلق کرد در
چهارچوب جمهوری اسلامی قابل وصول نیست و در
محدوده تنگ بورژوازی قانون اساسی جمهوری اسلامی
که بر مناسبات سرمایه داری وابسته صحه گذارده
است انتظار برآورده شدن خواستهای واقعی خلق
کرد بی مورد است چه خصلت قدرت حاکمه (که
بطور عمده در اختیار بورژوازی متوسط قرار گرفته
است) نفی دمکراسی بطور عام و نفسی حقوق
دمکراتیک خلق کرد بطور خاص می باشد . ولی آنها که
حکومت را انقلابی و ضد امپریالیست و انمود ساخته و
از پیروزی انقلاب دمکراتیک و ملی دم میزنند و
رهبری مبارزات ضد امپریالیستی و پیشبرد انقلاب
را به هیئت حاکمه میسپارند ، چگونه میخواهند این
تناقض در گفتارشان را توجیه نمایند ، آنها خود
میگویند :

"سیاست های جاری در قطعنامه مجلس شورای
اسلامی که به مقابله با هرگونه حقوق قومی و ملی
خلق ها تاکید دارد . " (سرمقاله ۶۵) که این "سیاست
های جاری در قطعنامه" ، سیاستی است که دولت
جمهوری اسلامی پس از قیام بهمن ماه تا کنون
پیگیرانه دنبال نموده و در قانون اساسی به آن
رسمیت بخشیده است و مجلس "شورای اسلامی" نیز
آنرا ادامه میدهد . البته این سیاستها کاملاً با
خصلت و ماهیت طبقاتی قدرت حاکمه در تطابق
است و بهیچوجه ناشی از "توهمات" و یا "ناآگاهی"
جناحهای از هیئت حاکمه نیست .

آقای بهشتی در مذاکره اش با نمایندگان "کمپته"
مرکزی " در برابر درخواست ایشان کمی گویند :
"اگر آن حداقل حقی که در چهارچوب جمهوری
اسلامی قابل قبول هست برای مردم کرد در نظر
گرفته نشود این صلح بوجود نمی آید . " پاسخ میدهد :

"نه آنم متنازاست گفتیم اگر چیزی را عمل کردیدی
مردم منطقه های دیگری در تون می بینند به نتیجه های
دیگر داده این میشود امتیاز ، معیار و معنی از مردم بی
بخش دیگری از مردم ."

اما پورتونیستها که خود چنین اظهار نظرهای نسی
درباره سیاستهای هیئت حاکمه نموده اند بناگاه
همه این گفته های خویش را فراموش کرده می نویسند :
"خلق کرد میتواند در چهارچوب جمهوری
اسلامی ایران بسیاری از حقوق دمکراتیک خود را به
جنگ آورد و حفظ نماید" (سرمقاله ۶۵ تأکید از ماست)
و در جای دیگری می نویسند :

"اولین نظریه است که می اندیشد ، تحقق پارهای از
خواستهای خلق کرد از طریق مذاکره و گفت و شنود
با دولت قابل وصول است و میتوان بر سر آن خواستها
با حکومت به مذاکره نشست ، این نظر اعتقاد دارد
بقیه در صفحه ۷

با تکیه به نیروی توده ها برای استقرار صلح عادلانه در کردستان بکوشیم

مجلس شورای ...

بقیه از صفحه ۱
خلفهای کرد و ترکمن برخاستند و خواستند در درجه اول بوسیله همین ارتش، مقرر شود که شده، نیشه بر پشه شوراها توده های دهقانی بزنند. شوراها بی که پایه های پوسیده نظام گذشته در هم می ریخت و هر چه بیشتر در ارتفاع سطح آگاهی توده های مردم نقش داشتند.

اطلاعات دردنباله گزارش خود از دیگرو صحبت های پیش از دستور نماینده خوزستان آورده: "آقای کیاوش با اشاره به نقشه های که توسط گران در خوزستان داشته اند و از د جزئیات ماجرا شد و لسی رئیس مجلس با این تذکره عنوان بعضی از مسائل در جلسه علنی مقرر به مصلحت نیست، از آقای کیاوش خواست که کلی تر صحبت کنند و حجت الاسلام خامنه ای نیز گفت رئیس مجلس را تا این حد کرد و باز سخنران بعدی حسن روحانی اشاره به نطقه های اخیر کرد و مساله آتش سوزی را که اخیراً در یکی از مراکز مهم اسلحه و مهمات موجود آورده اند مطرح نمود که، اگر این آثار منفجر می شد نصف تهران را خاک یکسان میکرد و نتیجه گرفت که این آتش سوزی عمدی است و این چهارمین مرتبه است که اجرا شده است. ناطق سپس به بی توجهی، مسئولان امور و بخصوص بارز و وزارت دفاع که ادعا کرده بودند این یک اشتباه ناشی از سهل انگاری است، انتقاد کرد و نطق دیگری در رابطه با مسائل ارتش مطرح ساخت، که مورد اعتراض رئیس جلسه قرار گرفت و حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی نیز یادآور شد که نباید چنین مسائلی را بطور علنی مطرح کرد.

این آقایان، این نمایندگان منتخب مردم - چه از جناح "لیبرالها"، (کسی که ریاست سنی مجلس را به عهد داشت)، چه از حزب جمهوری اسلامی (حجت الاسلام سید علی خامنه ای، رفسنجانی) و چه پست وزارت دفاع، معتقدند مصلحت نیست که چنین مطالبی در پیشگاه مردم عنوان شود. چرا که اینان در موضع تحکیم قدرت سرمایه داری و نیز سرکوب نیروهای انقلابی، اتفاق نظر و اتحاد بینشان وجود دارد.

چمران این عامی - امیر یالیزم، این دشمن آشتی ناپذیر و بی رحم و بی رحمی ترکمن، ... ما با این بد بیان، می گوید: "ما باید بدانیم که بهار تش نیاز هست یا نیست. که اگر هست در نابودیش نباید بکوشیم ... ظهور نژاد مورد قبول همگان است، حتی با فری از دو ماه قبل این توطئه را بر رئیس جمهور گزارش می داد. ... مسائلی که حالا بنا آن دست و پنجه نرم می کنیم خرابکاری نهادهای انقلابی نیست بلکه فقدان دیسپلین در آنجا است."

در رابطه با کودتای چپیزی را می توان از مردم پنهان نگاه داشت و پیاو اقصیت امر را در گرو نه جلوه داد. مردم باید بدانند و در پی آنند که بدانند علیرغم باخبر بودن از کودتای فریب الوقوع امریکایی (اطلاعاتی که راجع به کودتا، آتش سوزی های عمدی و ... در دو ماه قبل به سپاه پاسداران و رئیس جمهور داده شده بود) چرا، حاکمیت و نمایندگان "نمایندگان" امیر یالیزم! "آن، نه تنها از آن دم نزدند بلکه در تمام روزنامه های خود از طریق رادیو تلویزیون به تجلیل و تائید ارتش جمهوری اسلامی در همان زمان پرداختند و مرتباً از استقبال با شور مردم در کردستان "از برداران ارتش" و تشیع جنازه ها و رژه های آنان داد سخن میدادند.

چمران از "ظهور نژاد" آن عنصر جنگ طلب که دستش به خون دهانان وز حمتکشان در آذربایجان غریب و خلق کرد آغشته است، تقدیر بعمل می آورد. این افسر ارتش "ناهنیای" همان کسی است که آقای مهدی بهبهانی را "نماینده اعزامی" "آیت الله منتظری" از نقش پلیدش در جنایت هولناک "دهکده ی فارنا" یاد کرد و گفت از جمله مسیبان اصلی کشتار در غرب کشور است. بیشتر بگوئیم: این افسر ارتش شاهنشاهی از غاملان جنگ نغده، تجاوزات فتو دلها و زمینداران ترکور، و مرگور، شیخ گزگ و ... علییه دهقانان بوده است. این جناب "کسی است که از "مسعود" و "ادریس" بارزانی و

سایر عناصر "قید موقت" (سر سپردگان سیا، ساواک و موساد) در جهت سرکوب خلق کسزد استفاده و حمایت کرد. و باز همین آقا آن عنصری است که زمینداران و سرمایه داران بقده و آذربایجان غربی، امشبال "فروذ" و "بهمن خسروی" و "عظیم متوری" را با مبلغ گزاف و سلاحهای فراوان علییه دهقانان وز حمتکشان آذربایجان غربی و کردستان مسلح کرد و طرح کشتارشان را به مرحل اجرا در آورده است!

با چنین شباهی، باز حرف نمایندگان مجلس شورای اسلامی این است که: این ارتش نباید تضعیف بشود! برایشان دیسپلین ارتش ضد خلقی مهم است. ارتشی که سالها به قتل عام مردم پرداخته است و در روزهای هفده شهریور روزهای دیگر قتل عام مردم را بگول می بست و بالاخره حرف آخر نمایندگان محترم این است که: "همه چیز را نباید مردم بدانند، چون مصلحت نیست!"

درواقع مسئله مجلس شورای اسلامی، همان مسله همیشگی بورژوازی است! اینکه توده ها را در نا آگاهی نگاه دارد و از طریق نیروهای سرکوب، که در اختیار گرفته است، حرکت های آگاهانه و سازمان های مترقی توده های را، تضعیف و نابود کند. از همین روی، برای مجلس شورای اسلامی مهم نیست که وقت خود را صرف حل مشکلات توده ها کند!

مجلس شورای اسلامی لازم نمی داند که از تورم، گرانی، بیکاری، مشکل مسکن، فقدان دموکراسی و سرکوب نهادهای دموکراتیک و جز آن صحبت بشود. انگاه را این توده ها نبودند که آنها را به مجلس فرستادند! دولت حاکم و "نمایندگان منتخب" روز به روز فساد و می ریزد. هر چند که سیاست ارگانهای دولت جمهوری اسلامی در جهت هر چه بیشتر جلوگیری از رشد آگاهی توده ها است. اما توهم خوشبینانه توده ها نسبت به دولت حاکم و "نمایندگان منتخب" روز به روز در هم می شکند. در این میان وظیفه نیروهای انقلابی و افراد آگاه است که با توجه به جریانات موجود در میهنمان، هر چه بتوان ترسه افشاکاری سیاستهای کاذب و مردم فریب بپردازند!

تجدید نظر

تجدید نظر از صفحه ۶

طرح خواسته های حداکثر آنجا قابل وصول نیست به معنای ادامه جنگ و درگیری خواهد بود. (بیانیه تاکیدها از ما است)

در جایی از "بسیاری از حقوق دمکراتیک صحبت می شود و در جای دیگر از "پارهای از خواسته ها" که خلق میتواند به جنگ آورد و حفظ نماید. ولی مشخص نمیگردد این کدام خواسته های دمکراتیک خلق است که در شرایطی که هیئت حاکمه به مقابله با هرگونه حقوق قومی و ملی خلق ها تاکید دارد. از "طریق مذاکره و گفت و شنود با دولت قابل وصول است. این سخن خواسته ها بر اساس کدام تحلیل از اوضاع سیاسی، تناسب قوای طبقاتی و خصلت و ماهیت قدرت دولتی و ... تعیین گردیده است. آیا برآستی پس از یکسال و نیم تجربه کردن سیاستهای هیئت حاکمه هنوز هم اپورتونیستها ادعا می کنند که بسیاری از خواسته های دمکراتیک خلق کرد از طریق گفت و شنود قابل وصول است؟ و "انقلابیون کمونیست وظیفه دارند برای رسیدن به چنین مصالحه ای در کردستان با تمام نیرو کوشش کنند" (سرمقاله ۶۵) و البته اهرور و رسیدن به چنین "مصالحه" ای مذاکره و گفت و شنود است؟

اما علیرغم تمام حقایق روشن، اپورتونیستها مدعی اند که بسیاری از خواسته های دمکراتیک خلق کرد قابل وصول است و تنها مشکل "نا آگاهی" و "جنگ" طلبی جناحهایی از هیئت حاکمه است که آن هم با مذاکره و گفت و شنود رفع خواهد شد آنها همچنین مشخص نمی کنند که بالاخره خواسته های حداکثر خلق کرد چگونه تحقق خواهد یافت و آیا خلق کرد برای تحقق خواسته های حداکثر خویش باید به مبارزه انقلابی ادامه دهد یا از مبارزه بخاطر این خواسته ها و طرح خواسته های حداکثر منصرف گردد؟ دولت جمهوری اسلامی چگونه "بسیاری از حقوق دمکراتیک خلق کرد" را تا مین خواهد نمود و این "بسیاری خواسته ها" چگونه به چهره شرقی بخواسته های حداکثر تحول پیدا خواهد کرد؟ آیا آنها نیز همچون بیش کسوتان شان، اپورتونیستهای حزب توده چنین می اندیشند که "دموکراسی انقلابی" جمهوری اسلامی در تحول مسالمت آمیز به سوسیالیسم گذار خواهد کرد و بدین ترتیب تحول تدریجی و رفرفرم های مختلف، خلق کرد به خواسته های واقعی خویش دست خواهد یافت؟ اگر چنین می اندیشند که چوهره تحلیل هایشان مشحون از چنین اندیشه های است، چرا اصراً "انرا اعلام نمی کنند؟ و اگر جز این است پس چرا آنرا با مردم در میان نمی گذارند؟ آنها باید موضع خود را در این موارد بطور صریح روشن بسترای توده ها توضیح دهند و بنابر این در برده سخن

نگویند. البته ما میدانیم که هدف آنان از در برده سخن گفتن و اظهار نظرهای ضد و نقیض و بهم بافتن و بازر گذاردن راه برای توجیه سیاستهای اپورتونیستی و سازشکارانه و بندوبست شان با قدرت حاکمه است. آنها نهایتاً "میخواهند مبارزات خلق کرد را در وجهه المصلحه سازش خود با حکومت قرار دهند. لذا ناگزیرند که دو افعیات را تحریف نمایند، به توده ها دروغ بگویند و در برابر جریانهای، هیئت حاکمه در کردستان و سایر مناطق سکوت اختیار کنند. مادر شماره های آینده نشان خواهیم داد که چگونه اپورتونیستهای نیوی مادر لافاه و در پوشش "صلح عادلانه" بدنبال تحقق صلح بهر قیمت هستند. و با انصراف از مبارزه انقلابی و خالی کردن سنگر مبارزه زحمتکشان می رفرمیستی در پییش گرفته اند.

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

ساعت نزدیک ۲ بود ، سوار تاکسی که شدم زنی با دو بچه و ۳ ساله سوار شد ، بعد از آن پیرمردی که حدود ۵۰ سال داشت سوار شد و بعضی سوار شدن با دیدن چهره خسته و نگریده این زن که داشت بچه هایش را با جامی کرد ، گفت : خانم تو این کرما چرابچه ها را بروی آوردی ؟ زن با شوهری جواب داد : از ۷ صبح او دم بیرون ، چیکار کنم ؟ باز پیرمرد گفت : مگر کسی نبود نگوشون داره ؟ زن گفت : نه ، کار میکنم و هر روز این هارا با خودم می برم .
راننده تاکسی که مردی ۴۸ - ۴۷ ساله متین بود ، گفت : تنها این خانوم نیست ، همه این بدبختی رودارن ، - کسی مکت کرد و دوباره شروع کرد - بدبختی که یکی دوتا نیست ، از دم دادگستری ردم میدم ، دیدم یک لشکر آدم تحصن کردن پرسیدم چه ؟ گفتن : صاحب دکه ها ، بیایم کم بیکار .
داشتیم که اینارو هم بیکار کردن ، پیرمرداروی دل سوزی گفت : خوب دیگه اون کسی هم که یانصد هزار تومن سرفعلی داده ، نمیشه که جلود کوش چادر بریز و از کار یافته ، راننده تاکسی که بغول معروف موهایش از سر و کله زدن با مردم سفید شده بود خیلی متین وجدی گفت : پدرمن ، اینا بیکارن .

کارگران واحد استاندارد

کفش ملی توانستند

اضافه تولید خود را

بگیرند



شرکت استاندارد یکی از واحدهای کارخانجات کفش ملی است . کارگران این واحد نیز همچون بسیاری از واحدهای تولیدی - برای هدایت مبارزات خود علیه سرمایه داران ، در شورای متشکل شده اند .

این کارگران در روزهای آخر تیرماه بیکار دیگر ایست کردند که تنها با نیروی اتحاد و تشکل میتوانند حقوق اولیه خود را از جنگ سرمایه داران بدر آورند . بعنوان نمونه یکی از مواردی که این شورا توانست منع کارگران گام بردارد این بود که مدبر عامل بدون اطلاع تور با مسافرت خارج از کشور رفت و قبل از رفتن باز هم بدون اطلاع شورا اقدامات را بر عهده راه خود میزد . کارگران که از این موضوع باخبر شده بودند ، همزمان با بازگشت مدبر عامل ، ضمن اعتراض به این عمل ، خواستار دریافت پاداش اضافه تولید سالانه خود شدند . شورا نیز به مدبر عامل اعتراض میکرد که چرا کارهای شرکت را به شورا اطلاع نمیدهند ، روز بعد کارگران دست از کار کشیدند ، و چند نفر از کارگران و اعضای شورانسزد مهاجرانی (مدبر عامل کفش ملی) رفتند ، او ابتدایعی کرد کارگران را با نصب سخت سر کار بفرستند اما کارگران او را وادار کردند برای پاسخگویی به کارگران به محل شرکت بیاید در آنجا یک کارگزن پشت میکروفون رفت و مشکلات زندگی (گرانی ، سکن ، کمبودها ، ...) را بر سر شمرده . آن روز کارگران طی مذاکره با مهاجرانی او را وادار کردند به خواستههای کارگران تن دهند .

والله ناد بروز میگفتن فدائی ها آمریکایی اند ، مردم چیزی نمیکفتن ، میگفتن کردها ، عراقی اند و بختیار او جاست ، خوب - عوام باور می کردند ! کارگرها اعتصاب میکردن ، میگفتن آمریکا پول تو شون پخش می کند ، ولی دیگه راستی راستی شورسو در آوردن ، شمارو چند بیستین به آیت الله طالقانی هم بکشد کردن ، ای مصیبتو شکر ، درهمین ضمن کهراننده احساساتی شده بود و میخواست همه حقایق را بگوید ، مسافر پهلو دستش شد مرد ۳۸ - ۳۷ ساله ای بود در قیافه اش غالباً محرومیت و بدبختی دیده میشد بهر آنرا ننده چشم فرهای رفت و با صدای نستاندن آزمی گفت : "داداش خیلی تند میری " دوباره با تاکید "داداش خیلی تند میری " نزدیک بود خودش هم جوش بیآورد ، ولی چون حقانیت همه حرفهای راننده را تمام وجودش احساس کرده بود ، بیشتر از آنکه عصبانی بشود دیگر فرورفت ، راننده باروال قلی ، بی آنکه تعجب کند (سرش را طوری بطرفش خم کرده بود که جواب بگیرد) پرسید : "داداش خدائیش تقویول می کسی که مجاهدین منافقن ؟! مگر روزی قیام روفرش کردی ؟ کی بود که تو ماها را ملحقه داشت و خودش را باغبان و آتش مزد ؟ حرابین فدائیا و مجاهدین ؟ باجماعی

مردم چه میگویند؟

که ما نمیتوانیم پادگان بگیریم ، مسافر هم گفت : بله همینما بودن ، راننده توانست با طرافت خاصی سو تفاهم را بر طرف کند و همچنین به حرفهایش ادا میدهد ، حرفهایش که درهای دربی غلغلی کرد و اصلان نشان نمیداد که جانسازان گروه یا سازمان خاصی باشد ، فقط حقایق را فشا می کرد .
او که (بغول خودش) پانزده سال است شور فتاکسی است ، دستی به موهای جوگندمی و بیبشانی آفتاب خورده و سوخته اش کشید و بالحنی تعجب آمیز گفت : من میدونم ، ۷۰ هزار کشته شدن ، از این ملت کشته شدن ، نیکمیدیم که چه حسابی تو کار بود ، بگمترتبه چندتا از خارج اومدن و این کارا قرار گرفتن ؟ از بی صدرو بهشتی بگیر تا زردی و سبزه نظام و جیبی و اون پسر خوشگل که بر اسپنما گذاشتن ؟! آره طباطبائی ، بازرگان و قلی زاده ، ... ما ماشا الله ، ماشا الله کی دوتا کتیشن ، تازه اینها زرد و مو شون باندهای مخصوص خود شون رودارن ، مثلاً میگن بنی صدر کی اکبب مجهز از کارشناسان فرانسوی داره که باصطلاح مشاوری سیاسی اوهستن ، بهشتی نوی جمهوری اسلامی دارودسته خاص خود شوداره ، میگن مظفر بقائی و یک دار و دسته انگلیسی روزنامه جمهوری رو اداره می کنن و مشاورین بهشتی هستن .
در این موقع به مقصد رسیده بودم و پیاده شدم ، با خود میگفتم ، راستی که توده های مردم ، توده های سالهای ۳۲ نیستند و بگرا احتمال کمتری وجود دارد که قربانی بدنام کاری هار فرصت طلبی های این وان شوند .

پول و پوله ای هم ندارن ، حق هم دارن ، کارمخوان ، خدا شاهده من وقتی می بینم این شخصاً مسافر سوار می کنن ، خجالت میکنم چیزی بگم ، خوب منم این تاکسی رو واسه عمده ام که تخیردم و اسفند کار خریدم ، خوب می بسم مردم بیکارن ، زن و بچه هاشون خرجی میخوان - در حالیکه چهره اش خشمگین و صدایش فغانگتر شده بود اینطور ادا می داد : - والله من نمی فهمم ، واهه چی انقلاب کردیم ؟!

انقلاب کردیم که وضعمون بهتر بشه یا بسجوری همه جا روگند بگیره ؟! نیگای صغ سیکاره ! ماشاره صغ سیکار کرد - این جمهوری اسلامی هم والله جیبی بکم هر کاری که تا حالا کرده ، بندرد مردم نخورده و هیچکی دلش خوش نیست . پیرمرد که از ابتدا به حرفهای راننده گوش میداد و با نگرانی دادن سر آنها را تاخیدی کرد دانکار که داغیده باشد ، با ناله و بغرن گفت : فقط یاد دادن بگنن ، حرف میزنی میکن صد انقلاب ، نیگایان کردستان دارن چیکار میکنن ، میدونین جعفر آدم او خاکستن ؟ نادبروز میگفتن این فدائیا جنگ راه انداختن و از این چیزها ... خوب حالا که رهبراشون توده ای شدن و اومدن پای صلح و مذاکره - چرا آقایون موافقت نمیکنن ؟ پس اشکال جای دیگه است ...
در این موقع اعلامیه همسر آیت الله طالقانی را از پنجشنبه تاکی بداخل انداختند ، راننده که قبلاً آرا خوانده بود داغش تازه شد و با متانت خاصی که داشت با صدای کله آمیزی شروع به حرف زدن کرد و اعلامیه را داغ به مسافر پهلو دستش .

کمکهای مالی دریافت شده

الف	۱۵۵۵	ع	۱۷۴۶	رقفای سياهکل	۱۵۵۵
ب	۵۲۴	ح	۵۶۵	رقفای انزلی	۴۶۹۹
ج	۵۱۲۳	ط	۱۳۲۴	غ - ف	۵۰۳۲
د	۹۹۹	ز	۲۴۴۹	رقفای آلمان	۱۵۱۵
ه	۱۱۳۱	ح	۵۶۹	ب - ه	۱۰۵۶
و	۷۷۷	ط	۱۲۹۹۹	د - ه	۵۵۵
ز	۸۲۲۲	ق	۱۱۱۲	ا - ا	۶۴۳
ح	۲۲۲۰	ج	۱۶۱۳	ب - خ	۱۸۰۰
ط	۳۰۱۱۱	ح	۱۷۳۱	د - گ	۴۱۰۳
ح	۹۹۹	ج	۱۱۱	ح - گ	۱۸۰۰
ط	۱۱۳۱	ح	۲۰۱	ح - گ	۶۵۰۵
ح	۲۷۷	ح	۹۲۹۱	ح - گ	۵۵۳۹
ط	۸۲۲۲	ح	۱۱۸	ح - گ	۶۶۶۶
ح	۲۲۲۰	ح	۶۰۰	ح - ف	۱۸۳۵
ط	۳۰۱۱۱	ح	۳۴۰	ح - ف	۱۸۳۵
ح	۹۹۹	ح	۳۴۰	ح - ف	۸۵۸۵
ط	۱۱۳۱	ح	۶۰۰	ح - ف	۵۲۲۲
ح	۲۷۷	ح	۳۴۰	ح - ف	۸۶۱
ط	۸۲۲۲	ح	۶۰۰	ح - ف	۵۲۲۲



مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست



بررسی تحولات سیاسی

رفقا با دید رجلسات هفتگی (با ۰۰۰) خود تحولات سیاسی مهم (از قبیل جنگ در کرمانستان حرکات امپریالیسم از قبیل کودتا - حرکات ضد موکراتیک حاکمیت در گریبها و اختلافات درون ارگان سازش و ... را مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار داده و کوشش کنند ضمن اطلاع از نظرات مطروحه در سطح جنبش، نتایج بحث خود را مدون کنند و در صورت امکان آنرا منتقل نمایند. این کار باعث بالا رفتن قدرت تجزیه و تحلیل رفقا خواهد شد.

مطالعه تئوریک عام

در این باره قلابا رفقا صحبت کرده ایم بیشتر ما مطالعه تئوریک باید با هدف مشخصی دنبال شود. در این مورد باید از مطالعه پراکنده و بدون برنامه خودداری کرد. هر رفیقینی با بدسات مشخصی راه مطالعه اختصاصی داده و هم در رفقای هسته از یکدیگر مسئولیت است و گزارش بخوانند، از آنجا که مسائل مبرم کمونیستی، بررسی ماهیت حاکمیت کمونیستی و همچنین تعیین سیاست کمونیستها در قبال آنست، رفقا باید مطالعه خود را پیرامون آثار متمرکز کنند که حاوی تئورسهای مربوط به دولت و سیاست مربوط به اتحاد کتیک کمونیستها باشد.

انتقاد و انتقاد از خود

همانطور که میدانید انتقاد دوانتقاد از خود یکی از اصول اساسی تشکیلات کمونیستیست بنا بر این تا کید میکنیم که همه رفقا باید عمیقا نقش را همب آت را درک کرده و بعنوان سلاحی سازنده آنرا در جهت تصحیح خفا - کاهش خطاها و افزایش راندمان کار ریکاگرینند. رفقا باید عمیقایی ببرند که یک جریان کمونیستی بدون داشتن روابط انتقادی بقیه در صفحه ۱۰

های جمعی با مسائل مطروحه هم به آگاهی خود عمق و وسعت ببخشند و هم با تشخیص اشتباهات و خطاهای نظرات ما، سازمان را در جهت دست یافتن به تئوری جامع و اتخا ذسیاستها و تاکتیک صحیح یاری رسانند. با توجه به آنچه گفته گفتیم میتوانیم با طرح وظایفی پیرامون کار سیاسی - تشکیلاتی، رفقای را که با ما ارتباط مستقیم ندارند، در دوزمین (کی) فعالیتها درونی دیگری بیرون (راهنمایی کرده تا بنحویهتری بتوانند به وظایف انقلابی خود عمل کنند.

الف - فعالیتهای درونی؛ چون یکی از اساسی ترین مسائل برای کمونیست

امروز شعارهای سرنگونی بلاواسطه آنرا باید در دستور قرار داد. همچنین اگر سبب سیاستهای سازشکارانه و موضع تسلیم طلبانه "کمیته مرکزی" در مورد جنگ کردستان و صلح مورد نظر آنان، حمله میکنیم به این معنی نیست که ما طالب جنگیم و به هیچگونه سازش (سازش بمفهوم لنینی کلمه) و مذاکره یا عقب نشینی اعتقاد نداریم. نکته دیگر آنکه ما با راهها شاد دعوا مفریبیهای "کمیته مرکزی" پیرامون چنین مسائلی بوده ایم بعنوان مثال در پلنوم وقتیکه بحث بر سر مبارزه ایدئولوژیک در گرفت، آنها طرفدار "رازگشت به اصول" و پرداختن به

عمیقا اعتقاد داریم: بدون مبارزه ایدئولوژیک در سطح جنبش و بدون شرکت فعالانه هواداران در آن، سایر فعالیتها سیاسی و تشکیلاتی کیفیت و نقش لازم را در ارتقاء جنبش نخواهد داشته لذا تا کید داریم که رفقای هوادار بیش و پیش از هر چیز، آگاهانه و با شناخت لازم عهده دار وظایف انقلابی گردند و به تبلیغ و ترویج نظرات سازمان بپردازند. با اعتقاد ما عدم آگاهی از مواضع سازمان محدود بودن شناخت رفقا از مضمون اختلافات ما با "کمیته مرکزی" رفقا را در انجام وظایفشان دچار اشکال خواهد کرد دو عملا نمیتوانند در خدمت

رفقا، تریب به دو ماه از حرکت نوین مامیگردند و از آن مقطع، بکار مسئولیتهای سنگین تری را متقبل شده ایم. وضعیت مبارزه طبقاتی، ناتوانی حاکمیت سیاسی دریا سخ گوئی به خواستههای توده ها که نتیجه محتوم آن فاصله گرفتن توده ها از آنست، ضعف و ناتوانی کمونیستها در مبارزه سگگوئی به وظایف مبرم، سیاستها و تاکتیکهای متنوع امپریالیستها و بورژوازی بزرگ برای جبران عقب نشینی تاکتیکیشان در فضا، دست بدست هم داده و شرایط را بوجود آورده است. در این شرایط بحرانی وظیفه ما تلاش بیشتر و پیش در جهت پیشبرد مضمون انقلابی و غنشی کردن سیاستهای انحرافی بورژوازیست که جنبش را به سراهه سگشد، به همین جهت ما زمان ندهی گشته کرده هواداران و سرقرانین سببند ارگانیک با آنان نقش موثری در انحام وظایف ما ایفا میکند. از آنجا که ایما در ارتباطات

سخنی با رفقای هوادار

پیرامون کار سیاسی و تشکیلاتی

ما، تشکیلات است، رفقا باید در هر کجا هستند (کارخانه - مزرعه - دانشگاه - مدرسه - اداره - ...) ابتدا با انقلابیترین و نزدیکترین رفقای که آنها را بخوبی میشناسند در هسته یا هسته های متشکل شوند و برای پیشبرد کار خود برنامه ریزی کنند. این برنامه باید حاوی مسائل زیر باشد:

مطالعه کار و نبرد خلق

این دو ارگان ویژه باید دید انتقادی مطالعه شده و با احساس مسئولیت هر چه بیشتر مورد نقد و بررسی قرار گیرد. انتقادات و پیشنهادهای را جمعیت کرد و در صورت امکان آنرا برای ما بفرستید. در صورت عدم امکان ارتباط نیز رفقا نیاید از برخورد انتقادی فعال صرف نظر کنند.

مطالعه ای بودند که عملا ما را از با سگگوئی و برخورد با مسائل مبرم جنبش باز میداشت، ولی ما معتقد بودیم که مبارزه ایدئولوژیک باید حوال مسائل، حاوی مبرم صورت گیرد، و این اختلافی اساسی بود که به اشکال دیگر نیز خود را نشان داد "کمیته مرکزی" اینجا و آنجا شایع میکرد که رفقای اقلیت اطلاعیه مبارزه ایدئولوژیک اعتقاد ندارند، یا میگفتند آنها اصول عام کساری ندارند (اگر چه بدنیال تصمیمات پلنوم مطابق با آنچه که "کمیته مرکزی" به پلنوم تحمیل کرد، عمل کنیم و آنگاه "کمیته مرکزی" ۱۸۰ درجه چرخید و گفت اینها به مطالعه صرف پناه برده اند!) بهر حال رفقا در توضیح و دفاع از مواضع سازمان وظیفه سنگینی بدوش دارند که قطعاً باید با مطالعه بگیرد و برخورد

تبلیغ و ترویج صحیح مشی و نظرات سازمان قرار گیرند. ملاحظه آگاهی بسه اپورتونیزم است حاکم بر تفکر و مشی "کمیته مرکزی" و دیدن فاصله ما با آنها کافی است که بتوان گفت از مواضع سازمان دفاع کرده و یا آنرا توضیح داده ایم در این رابطه رفقا باید مری بین ما و جریان های چپ جنبش کمونیستی را دیده و بهنگام برخورد با جریان های راست، این فاصله را نیز در نظر داشته و آنرا توضیح دهند. بعنوان مثال ما میگوئیم "کمیته مرکزی" حاکمیت کمونیستی را "ملی و انقلابی" میدانند ما این معنی نیست که ما حاکمیت را حاکمیتی دست نشانده و مسز در میدانیم یا مثلاً وقتی که میگوئیم این حاکمیت عمدتاً با ما هیتا بورژوازی است، اعتقاد نداریم که

وسیع و مستقیم در شرایط کمونیستی عملاً زعبده ما خارج بوده و موجی پراکنده ترو آن چیزی میشود که سازمان قلابان دچار بود، لذا گسترش بی رویه و جذب همه رفقای هوادار را (تا مدت معینی که ظرفیت جذب آنها را پیدا کنیم) امری غیر اصولی تلقی کرده ایم. در چنین شرایطی که با این تضاد مواجیم، (یعنی از یک طرف بسا ضرورت سازماندهی و هدایت جنبش انقلابی توده ها مواجیم و از طرف دیگر موکدا با گسترش بی رویه غیر اصولی تشکیلاتی مخالفت داریم) میبایست در صورت نداشتن ارتباط تشکیلاتی با ارتباطات غیر مستقیم و سودستن از رهنمودهای سازمان مبرو های هوادار به وظایف انقلابی خویش عمل کنند. در این رابطه نشریه کار با بدیمتا به راهنمای هواداران، حاوی رهنمودهایی باشد که به جنبش نیارهایی پاسخ گوید. رفقا از آنجا که

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

سخنی با رفقای هوادار...

بقیه از صفحه ۹

تسلیم و ترویج زد
ب- وظایف بیرونی (اهم
فعالیتها):

وظایف بیرونی رفقا
بر اساس شرایط مشخص
منطقه‌ای که در آن قرار
گرفته‌اند، تعیین میشود.
با یدبا تحلیل از ترکیب
طبقاتی نیروهای که در
حیطه فعالیت رفقا قرار
دارد، به کارگران
و رحمتکشان تکیه کرد و
فعالیت سیاسی خود را
تنظیم نمود:

شرکت در جنبش توده‌ها

رفقا باید همواره در
جنبش توده‌ها شرکت نموده
و با اتخاذ تکنیک‌های
مناسب سعی در بالا بردن
آگاهی توده‌ها داشته و
آنها را در سازمان‌های
توده‌ای متشکل نمایند.
مثلا اگر در منطقه‌ای
دهقانان بی‌زمین برای
کسب و مصدا در زمین
مبارزه میکنند، رفقا باید
ضمن توضیح مسائل اجتماعی
و حقوق دمکراتیک توده
ها، بدهقانان ضرورت
ایجاد شورای دهقانی یا
انجمن دهقانان، را
خاطر نشان کرده و آنان را
در این امر یاری رسانند.
از آنجا که برداشت
های نادرست و یکجانبه
در برخی از نیروها باعث
کم‌بها دانستن به امر
دموکراتیک مبارزه و بی
توجهی به نقش سازمان
های دموکراتیک گردیده
لذا کوشش در این زمینه
را از انبم وظایف رفقای
هوادار دانسته و معتقدیم
که تکیه یکجانبه به
"کار در میان کارگران"
بی‌توجهی محض موقعیت
جنبش و آرایش نیروهای
انقلاب دموکراتیک است
و آشکارا با درک صحیح
از وظایف سوسیالیستی و
دموکراتیک، بیگانگی
دارد.

تبدیل فعالیت سیاسی

از دیگر اقدامات
بیرونی رفقا باید کوشش
در جهت گسترش تبلیغات
سیاسی را ذکر کرد. رفقا
برای این امر میتوانند
به کارهای زیرمبادرت
ورزند: فروش نشریه
کا رو سیرد خلق، ایجاد
بساط کتا بفروشی در مکان
های مناسب، نصب
اعلامیه‌ها، تراکت‌ها
و پوستره‌های سازمان در

فادربه ادامه حیات
انقلابی خویش نیست.
در برخورد های انتقادی
حتما باید پدیده سازنده بودن
انتقاد توجه داشت و آنرا
به سلاخی مخرب بسند
نساخت. حق زدن - بهانه
گیری - مع‌گرفتن کنترل
های خرده بورژوازی و
نا سالم، نباید جایگزین
انتقاد سازنده شود. بدون
توجه به این مسائل نمیتوان
روابط اصلی انتقاد و
انتقاد را خود داشت و شاهد
رشد و شکوفائی رفقا بود.
ما با زهم تا کید میکنیم
که رفقا قبل از هر چیز باید
به نقش و اهمیت انتقاد
به مبارزه سلاخی که ما را
در مبارزه برای آزمان
پرولتاریا یاری میرساند
توجه عمیق داشته باشند
و فراموش نکنند که بسیاری
از خصوصیات غیر پرولتاری
محتاج مدت زمانی طولانی
است و باید بصورتی که از
تکرار انتقاد دخته نشود
به رفقا اجازه داد تا در
فرصت لازم خود را تصحیح
کنند.

جمع بندی
دوره‌ای از کار

رفقا باید در فواصل
معینی (مثلا یکماه) کار
های انجام شده را ارزیابی
کرده و با بررسی انتقادات،
اشتباهات و مجموعه فعالیت
های خود را جمع بندی کنند.
در صورتی که مطابق برنامه
هسته موفق به بالا بردن
ظرفیت و کیفیت نیروهای
خوشه باشد میتواند
مسئولیت‌های بیشتری را
عهده دار شود. و چنانچه در
این زمینه موفق نبوده
باشد باید ریشه‌یابی مسئله
برای رفع اشکال (در
برنامه ریزی و سایر
مسائل) تجدید نظر کرد.
در شرایطی که رفقا
پروژه‌ای طولانی را طی
میکند و در مجموع از کیفیت
بالایی برخوردار هستند،
چنانچه موفق به ارتقای
گیری با سازمان نشدند،
میتوانند بعنوان گروه
هوادار اعلام موجودیت
نموده و در منطقه خودشان
فعالیت سیاسی داشته
باشند. جنبه‌ی رفقا باید
توجه داشته باشند که هر
صورتی نمیتوان از نام
گرفتن را استفاده کرد
که بر اساس چهار چوب
نظریات سازمان دست به

سرکوب
دکهداران

و نظرات مردم

دولت جمهوری اسلامی به
بهبهانه‌های از قبیل زیباسازی
شهر، جلوگیری از فروش نوار
های مبتدل و پاکسازی پیاده‌رو
ها اقدام به جمع‌آوری دکهدار
کنار خیابان و جمع‌آوری بساط
آنها نموده است. این اقدام
دولت توسط ارگانهای سرکوبش
ماهیت واقعی دولت جمهوری
اسلامی را نشان داد و در این مورد
نه فقط اعتراض دکهداران را
بحق برانگیخت، بلکه مردم
کوچه بازار اکثر نیز نسبت
بدین امر اعتراض داشتند.
عده‌ای از هواداران سازمان
پیرامون این مسئله اقدام به
نظرخواهی از مردم نمود و این
نظرخواهی را برای مافستاده
اند. ماضن قدر دانی از این کار
ارزشمند رفقا اقدام به جمع بندی
نظرات مردم نمود و برای اطلاع
خوانندگان نشریه کار منتشر
می‌نمائیم.

حدوده ۶ نفر در نقاط
مختلف شهر نظر نشان را راجع
به برچیدن دکهدارهای کنار خیابان
در این نظرخواهی نوشته‌اند که
میتوان آنرا به سه گروه اساسی
تقسیم نمود، علاوه بر آن تعداد
قلیلی نیز نظراتی متفاوت از
این سه گروه داشتند که نظر آنها
را نیز بعنوان گروه‌های فرعی در
این جمع بندی می‌آوریم.
گروه اول: این گروه سالها
صرفا از نظر اقتصادی مورد توجه
قرار داد و معتقدند که جمع‌آوری
دکهدار باعث رواج بیکاری و فساد
خواهد شد و باید تا پدید آمدن
کارهای دیگر در دکهدار همین
وضع بماند. این گروه وارد این
مسئله کسب علت جمع
آوری دکهدار چیست نمیشوند و
نمیگویند چرا دولت چنین
اقدامی انجام میدهد.

جاهای پررفت و آمد و محل
تجمع توده‌ها، در شست
نویسی مقالات یا بخشی
از نوشته‌های کاروان...
شماره نویسی بردیوارهای
معا بر شهر و روستا، بخش
تراکت و اعلامیه پیرامون
مسائل ویژه منطقه فعالیت
رفقا. افشاء سیاستهای
هیئت حاکمه، در اشکال
متنوع و گوناگون و تلفیق
آنها با یکدیگر،
رفقا توجه داشته
باشند که بخش نشریه کار
و اعلامیه‌های سازمان،
از اهمیت درجه اول
برخوردا را است.

گروه دوم: این گروه برخلاف
گروه اول به مساله کما ملا از زاویه
سیاسی برخورد می‌کنند و نشاط
لابتفک این حرکات سرکوبگرانه
را با سایر اعمال دولت می‌بینند
محور برخورد این گروه اینست
که چون حاکمیت در جهت
منافع خلق نیست و از آنجا که
حامی سرمایه داران و تجار بزرگ
بازار... میباشد برای تامین
منافع آنها اقدام به فشار روی
توزیع کنندگان خرید می‌نماید.
بیشتر افرادیکه در این گروه
جای میگیرند، از رابطه سرکوب
دکهداران و جمع‌آوری بساط آنها
با سرکوب خلق کرد و ترکم و...
سرکوب کارگران بیکار، بسی
محتوا ساختن شوراهای توده‌ای،
سرکوب دانشجویان و گروه‌های
انقلابی صحبت می‌کنند و در
مجموع این حرکات را جز
ماهیت حاکمیت کنسروی
میدانند.

گروه سوم: برخورد این
گروه با مسئله برخوردی دوگانه
است، از یکطرف این اقدام
را قبول ندارند و از طرف دیگر
آنرا نه در ماهیت حاکمیت کنونی
بلکه در اقدامات جناحی از
حاکمیت می‌بینند، این دسته
مثلا شهرداران را نماینده سرمایه
داران میدانند ولی کل حاکمیت
را در این عمل تبرئه کرده و از آن
حمایت می‌کنند، مثلا تعدادی
مثلا شهرداران را نماینده سرمایه
داران میدانند ولی کل حاکمیت
را در این عمل تبرئه کرده و از آن
حمایت می‌کنند، مثلا تعدادی
از این گروه به بنی صدراعقتصاد
توجهی اشر و قول و قرارهایش با
طنز حمله کرده‌اند. حاکمیت را
نصیحت می‌کنند و یا معتقدند که
حاکمیت سیاسی در این امر
اشتباه می‌کند و فکر می‌کنند که
دولت میتواند مساله بیکاری،
تورم، فقر را حل نماید و حتی
هشدار میدهد که دولت باید
بداند با این اقداماتش مردم را

شرکت در کار و زندگی

علاوه بر فعالیت‌های
جمعی در محیط‌های خاص
شغلی بویژه رفقا باید در
کار روز زندگی توده‌های
زحمتکش بویژه کارگران
شرکت کنند تا ضمن فراگیری
آنها به آنها نیز آشنایند
های خویش را بیاموزند
البته آمیزش با زندگی
توده‌ها ما دام که بر مبنای
درکی عمیق از تناشیرات
آن، صورت نگیرد،

ناراضی کرده و وادار به شورش
می‌کند.
حدوده ۹۰٪ کسانی که نظر نشان
را نوشته‌اند در سه گروه بالا جای
میگیرند و بقیه به گروه‌های فرعی
تقسیم میشوند.
عده‌ای معتقدند که اگر چه این
حرکت غلط است ولی دکهدار
داران نباید هیچ اقدامی کنند
چون در کل حرکات
امریالیستی حاکمیت خلسل
وارد شده و آن راه بیراهه
میکشد. گروه کوچکی معتقدند که
دکهدار باید جمع شوند چون در
توزیع اخلاص می‌کنند ولی باید
برای اینها کار در جهاد سازندگی
درست کرد و اینها را به روستاها
فرستاد.

عده دیگری به ابراز گرایشات
لیبرالی خود پرداخته و تنها از
این زاویه به مسئله نگریسته‌اند
که روحانیت مسبب این وضعیت
است. گروه بسیار ناچیزی هم
بیش از هر چیز نگران اسلام
می‌باشند و معتقدند که نباید با
این حرکات اسلام را بدنام نمود
تکنه قابل توجه در این بود که
فقط درصد ناچیزی از افرادیکه
از آنها سوال شده این حرکت را
تائید نمودند. عده‌ای که مسلمانا رابطه
مستقیمی با منافع آنان داشت.
اما نکته مهمی در مورد رفقای
که اقدام به نظرخواهی، مصاحبه
و... با مردم می‌کنند اینست که
رفقا باید کوشش کنند که
افراد کینه‌نظر
میدهند حتما شغل، منطقه
سکونت، میزان سواد خود را
بنویسند این مساله در جمع بندی
هائیکه سازمان راجع به برخورد
های افشار مختلف مردم نسبت
به مسائل مهم روز دارند مورد
استفاده قرار میگیرد.

نمیتوانند نقش سازنده‌ای
در تصحیح و تکامل خاص
ما داشته باشد.
ما باید بر مبنای چنین
درکی، در زندگی روزمره
(بی آنکه تعجیل کنیم)
توده‌ها نشان دهیم که
چوندهای عمیقی با آنها
داریم، و همچنین باید
خاطر داشت که در تعمیق
آنچه که ما را به جانفشانی
در راه خویش میکشاند،
باید عشق به توده‌ها را در
وجودمان زنده تر سازیم.

گرامی باد یادرفقای شهید

برگهای تاریخچه خونین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در روزهای مرداد ماه نیز گلگون است. یادرفقایان رزمندگانی را که به موجودیت پرافتخار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران هستی بخشیدند بزرگ میداریم و به زندگی سراسرافتخار و بی پیرایه شان که سنت های نویینی را در جنبش انقلابی میهنمان بدست گذاردند درود می فرستیم رفیقانی که تا اوپسین دم زندگی به آرمان کارگران و زحمتکشان وفادار ماندند و عالیترین نمونه عشق به خلق و ایمان به رهائی کارگران و زحمتکشان را با ایستادگی های پرولتاریائی در مقابل دشمن خلق به جهانیان نشان دادند. رفقای که در مرداد ماه به شهادت رسیدند همانند سایر فدائیان شهید

فرزندان نمونه خلق، انسانهای ساده، دوست صمیمی مردم زحمتکش، انقلابیونی قاطع و تزلزل ناپذیر بودند که به ما درس زندگی دادند. آنها چه بسیار ساده میا موختند که زندگی یعنی مبارزه و مبارزه یعنی تلاش برای اعتلای زندگی. آنچه زندگی مبارزاتی فدائیان شهید را برجسته میسازد صداقت و ایمان تزلزل ناپذیرشان به رهائی زحمتکشان و به سویا لیزم، آشتی ناپذیری و سرسختی شان در مبارزه با دشمن خلق است. بکوشیم خصایص برجسته کمونیستی را از رفقای شهیدمان بیاموزیم و در پی کار علیه دشمن خلق و طبقه کارگر سرسخت و تزلزل ناپذیر باشیم.

- ★ زین العابدین رشتچی
- ★ احمد زبیرم
- ★ حسین اللهیاری
- ★ غلامرضا بانژاد
- ★ فریدون شافعی
- ★ محمد صفاری آشتیانی
- ★ جهانبخش یابداری
- ★ سعید میرشکاری
- ★ عباس جمشیدی رودباری
- ★ مهدی فضیلت کلام
- ★ ونداد ایمانی
- ★ فرخ سپهری
- ★ هرمزگر جی بیانی
- ★ مرتضی فاطمی
- ★ فرامرزشریفی
- ★ عبدالله سعیدی بیدختی
- ★ یوسف کشی زاده

۲۸ مرداد سال (۱۳۵۱) روزنامه های رژیم منفور پهلوی با تیتر درشت گزارش دادند که "چریک فدائی خلق احمد زبیرم، عضو شبکه جنگل کشته شد". چگونگی درگیری و شهادت حماسی رفیق احمد زبیرم، که در روزنامه های جیره خوار رژیم درج شده بسود تاثیرگسترده ای بر مردم باقی گذارد و دروغهای بی شرمانه رژیم را در باره باصطلاح "خرابکاران" رسواتر کرد. کیهان در شرحی بر این ماجرا نوشت:

مادر خانواده ای که احمد زبیرم در خانه شان کشته شد مدتی را چنین بازگو کرد: من تازه از خواب بلند شده بودم و در اتاق بای ساور نشسته بودم، شوهرم ابوالقاسم هم تازه از مسجد برگشته بود و در حیاط نشسته بود. یکدفعه از پنجره دیدم مردی که لباس هایش خونی است اسلحه بدست روی پشت بام ایستاده است. بعد از دیدن بانین آمد و سگینه و سر کوچکم راه زیر زمین برد. او مدتی روی پله ها ایستاد، و پشت بام خالی اطراف را نگاه کرد. من خیال کردم او ندانست. میخواستیم پیش بجهان بروم. بعد وارد اتاق شد و بمن اشاره کرد که يك گوشه بایستم. از ترس زبانم بند آمده بود و نمیدانستم چکار کنم. به او اصرار کردم که بگذارد من هم پیش بجهنم بروم ولی او میگفت با تو کاری ندارم. مادر، بعد هم از من جادخواست، منم يك جادر کهنه به او دادم و آن را به کمرش بست. مقداری پول هم از جیبش درآورد و خواست پول جادر را بدهد ولی من قبول نکردم. وقتی باز هم اصرار کردم که بگذارد من پیش بجهنم بروم وقت کرد و مرا به زیر زمین برد.



رفیق احمد زبیرم، همیشه با ما نمیتوانیم با دشمنان خلق روبرو شویم. کسی که کینه ای بی پایان به دشمنان خلق نداشته باشد نمیتواند از عشق به خلق سخن بگوید.



چرا از قطع تحریم اقتصادی تا به امروز

واردات کالاهای انگلیسی دو برابر شده است؟!

آیا از نظر جمهوری اسلامی امپریالیسم انگلیس "خوبتر" از امپریالیسم آمریکا است؟

ما میگوئیم: تمام امپریالیستها دشمن ما و همه حلقهای جهانند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ت - الف ۴